

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

«تجلی امید و انتظار»

معاونت آموزش و پژوهش دبیرخانه دائمی مبلغین اربعینی کشور

نیمه شعبان ۱۴۴۳





فهرست

فهرست	۳
مفهوم انتظار	۵
تجلی امید در فرهنگ مهدویت	۷
تعریف امید	۷
انواع امید	۸
الف) امید فعال	۸
ب) امید منفعل	۸
لزوم امید	۸
مؤلفه‌های سازه امید	۹
الف) ایمان:	۹
ب) صبر و شکیبایی:	۹
ج) حرکت و تلاش:	۱۰
آثار امید	۱۰
راه‌های افزایش امید	۱۰
۱. راه‌های فردی:	۱۱
۲. راه‌های اجتماعی:	۱۱
نشانه‌های ناامیدی	۱۲
امید و انتظار	۱۲
امید و اعتقاد به منجی	۱۳
نظام مهدوی و چشم‌انداز امید	۱۳
احساس امید در سایه انتظار ظهور	۱۴
گستره امیدواری در مکتب انتظار	۱۸
امید یکی از دستاوردهای دولت مهدوی	۲۰
راهکارهای ایجاد و تعمیق امید	۲۱
۱. تدوین نظام ارزشی مهدوی	۲۲
۲. تبیین مفهوم و معنای انتظار	۲۲
۳. امکان توجه و لطف خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)	۲۳
۴. کمک‌رسانی امام مهدی به مردم	۲۳
تجلی انتظار در فرهنگ مهدویت	۲۷
۱. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام	۲۷
۲. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها	۲۷
امام زمان علیه السلام، ادامه دهنده راه اهل بیت علیهم السلام	۲۹





- عوامل خرسندی و ناخرسندی امام ۲۹
۳. تلاش برای حفظ ایمان در زمان غیبت ۳۰
۴. پیوند با مقام ولایت ۳۰
۵. تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت علیهم السلام ۳۳
۶. زمینه سازی و کسب آمادگی برای ظهور حجت حق ۳۴
۷. اصلاح اجتماعی ۳۶
۸. ارتباط با فقیهان و مراجع تقلید ۳۷
۹. دعا برای سلامتی امام عصر علیه السلام ۳۸
۱۰. دعا برای تعجیل فرج ۴۰
۱۱. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام ۴۱
- برپا خاستن هنگام شنیدن نام‌های آن حضرت ۴۲
- نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت ۴۲
- آغاز کردن هر روز با سلام به پیش‌گاه آن حضرت ۴۳
۱۲. وظائف منتظران از منظر مقام معظم رهبری ۴۳
- این، آینده ی قطعی شماست ۴۳
- امروز باید در جهت حکومت امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) کار و تلاش کنیم ۴۳
- قبل از فرج، آسایش و راحت‌طلبی و عافیت نیست! ۴۴
- زمینه ظهور را باید با حاکمیت قرآن و اسلام آماده کرد ۴۴
- اگر به سمت صلاح نزدیک بشویم ظهور نزدیک خواهد شد ۴۴
- فقط نشستن و اشک ریختن فایده ندارد! ۴۵
- ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم ۴۵
- بزرگترین وظیفه‌ی منتظران ۴۵
- معنای انتظار فرج، انتظار گشایش در گرفتاری عمومی بشریت است ۴۶
- انتظار حرکت است، سکون نیست ۴۶
- زمینه ظهور در صورت پیروزی ملت ایران آماده میشود ۴۶
- زندگی اصلی بشر از دوران ظهور آغاز می‌شود ۴۷
- معتقدین به ظهور هیچ‌گاه دچار ناامیدی نمی‌شوند ۴۷
- انتظار یعنی دائم در حال «آماده‌باش» باشید ۴۷
- در انتظار باید اهل عمل به چیزی باشیم که دل امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) را شاد می‌کند ۴۸
- لازمه انتظار خودسازی است ۴۸
- روحیه انتظار از بزرگترین درپچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است ۴۸





مفهوم انتظار

«فَرَج»؛ یعنی نصرت، پیروزی و گشایش. مقصود از فرج، نصرت و پیروزی حکومت عدل علوی بر حکومت‌های کفر و شرک است. بنابراین، انتظار فرج، یعنی انتظار تحقق یافتن این آرمان بزرگ و جهانی. و منتظر حقیقی، کسی است که به حقیقت، خواهان تشکیل چنین حکومتی باشد.

این خواسته، آنگاه جدی و راست است که شخص منتظر، عامل به عدل و گریزان از ستم و تباهی باشد و گرنه انتظار فرج، در حد یک ادعا و شعار بی محتوا باقی خواهد بود. از این رو، در روایات آمده است که انتظار فرج، خود، فرج است؛ زیرا کسی که حقیقتاً منتظر فرج و ظهور حجت خدا و تأسیس حکومت عدل گستر او است، زندگی خود را بر پایه عدل و داد استوار می‌سازد. او، انسانی است که حضور و غیبت امام، در نحوه رفتار و سیر و سلوکش تفاوتی ایجاد نمی‌کند و پیش از تشکیل حکومت عدل او، چنین حکومتی را در زندگی خود پایدار ساخته است.

«انتظار فرج» یعنی:

- معرفت امام معصوم و عادل و پیشوای فضیلت؛
- ایمان به امامت رهبری الهی و عدالت‌پیشه؛
- عشق به عدالت و ارزشهای انسانی؛
- امید به آینده‌ای روشن و نویدبخش؛
- تلاش برای برقراری حکومتی عدل‌پیشه و عدل‌گستر؛
- رعایت موازین و قوانین دینی و اخلاقی؛
- داشتن روحیه تعهد و مسؤولیت‌پذیری.

این انتظار فرج است که بهترین اعمال و بهترین عبادت است و چنین منتظری، مقامی عالی دارد و هرگاه در زمان غیبت از دنیا برود، به منزله کسی است که پس از ظهور حضرت حجت علیه السلام زنده و تحت فرمان او در راه خدا جهاد می‌کند.

کوتاه سخن اینکه حقیقت انتظار، آن است که انسان منتظر و چشم به راه، خود و محیطش را برای آمدن منتظر و منجی موعود آماده کند.

این آمادگی، بسته به فرد مورد انتظار، معنا و ارزش می‌یابد. برای مثال، کسی که منتظر زائر بیت‌الله است و مسافر او از سفر مکه می‌آید، طبعاً معنای انتظار برای او این است که خانه را مرتب کند و وسایل پذیرایی را فراهم سازد و... منتظر امام زمان علیه السلام نیز به کسی گفته می‌شود که خود را برای آمدن چنین بزرگ‌مردی آماده کند.





انتظار، سبب استقامت و پایداری مسلمانان برابر فشارها و سختی‌ها می‌شود و از یأس و ناامیدی آنان، جلوگیری می‌کند.

طبیعی است که باید خود را در گروه بندگان صالح قرار دهد، دین را در زندگی خود جاری سازد و دیگران و محیط را برای آمدنش مهیا کند. از این رو انتظار فرج، بنا بر فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افضل اعمال است و هر کس که تلاش درونی او برای عبادت و عبودیت و کوشش بیرونی او برای زمینه‌سازی و جهت دهی مردم و محیط بیشتر باشد، موفق‌تر است.

انتظار فرج، به معنای امید به آینده روشن و تحقق ارزش‌ها و خوبی‌ها است. چنین نگاهی، به انسان، شور و نشاط و حرکت می‌دهد؛ به گونه‌ای که هم در پی اصلاح خود اقدام می‌کند و هم محیط خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منتظر، ساکت و ساکن نمی‌ماند، بلکه کارها و تلاش‌های خود را برای زمینه‌سازی در راستای تحقق ظهور انجام می‌دهد. چنین فردی در جامعه، نه تنها خود را از انحرافات اعتقادی و عملی به دور نگه می‌دارد؛ بلکه سعی در ساختن و اصلاح کردن جامعه نیز دارد. بنابراین، انتظار، نه تنها یک عمل فردی که یک کار جمعی و تشکیلاتی است که به طور مداوم، جامعه و افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند ضامن سلامت فکری و عملی فرد و جامعه باشد.

«انتظار» حقیقتی است که از رفتار و کردار فهمیده می‌شود.

نیز انتظار، سبب استقامت و پایداری مسلمانان برابر فشارها و سختی‌ها می‌شود و از یأس و ناامیدی آنان، جلوگیری می‌کند و به این شکل، راه را برای غلبه و پیروزی آنها هموار می‌کند.

با این وصف، انتظار، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعه آرمانی و اسلامی موعود، ایجاد می‌کند که در سایه اعمال فردی و جمعی، کمتر به چشم می‌خورد؛ به همین سبب با فضیلت‌ترین عمل‌ها شمرده شده است.

باید توجه داشت؛ «انتظار» حقیقتی است که از رفتار و کردار فهمیده می‌شود؛ بنابراین، نمی‌توان هر کس را که مدعی دوستی و ولایت امام زمان علیه السلام است، در شمار دوستان و منتظران حضرتش قلمداد کرد. منتظر واقعی امام زمان علیه السلام باید رفتارش به گونه‌ای باشد که هر لحظه، منتظر ظهور امام و آماده خدمت در راستای اهداف مقدس او باشد. کسی که بخواهد اینگونه باشد، وظایفی بر عهده او است.^۱

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان

آماده کنیم.» ۳۰/۰۷/۱۳۸۱.





تجلی امید در فرهنگ مهدویت

امید با خلقت آدمی هم‌زاد است و سعی و تلاش را به دنبال دارد. هر کاری که انجام می‌دهیم، به چشم‌داشت رسیدن به هدفی است که می‌خواهیم بدان دست یابیم. وقتی می‌خواهیم، شوق بیدار شدن داریم، آن‌گاه که درس می‌خوانیم درصدد فراهم کردن زمینه‌ای هستیم برای کشف مجهول و یا رسیدن به تقویت دیگری؛ کشاورزی که بر زمین دانه می‌کارد، دامداری که مخارج نگهداری حیوانی را می‌پذیرد، مادری که فرزندش را تر و خشک می‌کند، کارخانه‌داری که سرمایه‌گذاری می‌نماید، همه و همه در هر رشته و کاری به امیدی که انتظارش را دارند، دل‌خوش کرده‌اند و فعالانه تلاش می‌کنند.

اگر امید به معنای تحقق خواسته‌ها، عملی شدن آرمان‌های والای بشری و به فعلیت رسیدن تمامی قوه‌ها و پتانسیل‌های موجود در طبیعت و سرشت آدمی در چهار چوب قوانین حاکم بر همین جهان است، پس کدام مکتب و نظام می‌تواند چنین آرزوها و آرمان‌هایی را محقق سازد؟ کدام نظام ارزشی به صورتی شفاف آنها را به تصویر خواهد کشاند؟

بنابر شواهد، نظام و فرهنگ مهدویت، رؤیاهای صادقانه بشر را تعبیر و تفسیر حقیقی می‌کند. نظامی که شعارش، حکومت عدالت مطلق بر جهان برون و درون آدمی است، هرچه را آدمی لیاقت دارد، بدو می‌بخشاید، زمین و زمان که دو عنصر محوری برای پیشرفت و نبوغ‌اند، در خدمت انسان خواهند آمد؛ چرا که خلیفه الهی و صاحب مکان و زمان، حکومتش را علنی خواهد نمود.

نظام مهدوی که خلاصه و نتیجه رسالت تمامی انبیا و اوصیای الهی است، اقیانوسی ژرف و پهناور به شمار می‌رود که عرض و طولی همانند عرش تا فرش دارد. این نظام برای آسایش، کمال و تعالی بشر برنامه‌هایی دارد که فطرت بشر، منتظر آن است.

تعریف امید

امید از جمله واژه‌هایی است که بسیاری آن را می‌فهمند، اما نمی‌توانند آن را در قالب الفاظ درآورند. بنابراین، به تعبیر مختلفی از آن یاد می‌شود؛ آرزو، عامل موفقیت، اشتیاق به زندگی، عشق و دوستی، رسیدن به هدف، توکل به خدا، زیبایی، نشاط و....

هم‌چنان‌که تعبیر امید گوناگون‌اند، تعریف‌های امید نیز متفاوت است. هر چقدر لفظی را بیشتر مأنوس باشیم و با قلب و دلمان در ارتباط باشد و از درونمان بجوشد، سخت‌تر می‌توان آن را در کلمات محصور نمود.

با این همه می‌توان امید را چنین تعریف کرد:

امید، حالت درونی، نگرش یا وضعیتی است که آدمی را علاوه بر واداشتن به پیش بینی روی دادی خاص، برای تغییر و تحول آماده می‌سازد.



انواع امید

امید در دل انسان پدید می‌آید. در هر تلاشی که برای تغییر صورت می‌گیرد و هدف والایی در آن نهفته، وجود امید قطعی است. معمولاً امید را به دو نوع فعال و منفعل تقسیم می‌کنند. اولی تضمین کننده سلامت روانی و عاملی پویا و انرژی آفرین و دیگری مخرب و ویران کننده است.

الف) امید فعال

در بینش دینی امیدی ستوده شده که موضوع آن، زندگی پر بارتر، رستگاری، زنده و سرشار بودن. و همراه با انگیزه قلبی، حرکت، شجاعت و تلاش است؛ آمادگی داشتن برای چیزی که تولد نیافته و البته می‌تواند به وجود آید؛ انتظار وجود حادثه‌ای در هر لحظه، این نوع امید، آمادگی درونی، متراکم و «هنوز مصرف نشده‌ای» برای فعالیت است. آنان که چنین امیدی دارند، نشانه‌های زندگی تازه را می‌بینند و هر لحظه آماده‌اند تا به تولد آن چیزی که آماده زاده شدن است، یاری رسانند. این همان امیدی است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: امید، رحمت خدا برای امت من است. اگر امید نبود، مادری فرزند خویش را شیر نمی‌داد و کسی درختی نمی‌کاشت.

ب) امید منفعل

اگر کیفیت امید، حالتی انفعالی و کنش پذیر باشد، دروغ و بدون ایمان و تلاش است. ناتوان دانستن خود، دقیقاً به معنی ناامیدی است. امید انفعالی و کنش پذیر، سیمای دیگرگونه‌ای از ناامیدی و یأس به شمار می‌رود. بزرگان دین، ما را از نومیدی برحذر داشته‌اند و نام امید دروغین را بر آن نهاده‌اند. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: از امید دروغین بپرهیز که تو را گرفتار ترس حقیقی می‌کند.

لزوم امید

امید، عامل ذاتی و باطنی شالوده زندگی و عامل پویا و دینامیک روان انسان است. چرخ‌های سنگین زندگی با دست‌های نامرئی امید می‌چرخد. قرآن نیز همواره روح امیدواری را می‌دمد و تأکید دارد، که ای بندگان از رحمت خدا مأیوس نشوید:

ای پیامبر! به بندگانم بگو، ای بندگان که بر نفس خود، ستم روا داشته‌اید، از رحمت خدا ناامید نباشید.

و می‌فرماید:

ای ابراهیم، هرگز نومید مباش! ابراهیم (علیه السلام) گفت: آری، هرگز به غیر از مردم گمراه، کسی از لطف خدا

نومید نیست.

اندیش‌مندان بسیاری بر لزوم وجود امید در طول حیات اصرار داشته و دارند. ویکتور هوگو معتقد است امید در زندگی بشر به اندازه بال برای پرندگان اهمیت دارد. محقق معاصر آقای محمد حکیمی





بر این باور است که در دوران ناکامی انسان و بشریت فراموش شده، زنده نگه داشتن حس امید و انگیزش خوش بینی و حالت انتظار، کاری ارزش مند و بزرگ است بلکه با توجه به افسردگی مغزها و سرخوردگی نسلها، تکلیفی به شمار می رود.

هم چنین کانت، طرح مسئله امید را از ویژگی های هوش مندی آدمی برمی شمرد و می نویسد: برای هر کس که متنبه و هوشیار باشد و در کار دنیا و حال خود بنگرد، سه سوال پیش می آید: یکی این که چه می توانم بدانم؟ دوم این که چه باید بکنم؟ سوم این که چه امید و انتظاری می توانم داشته باشم؟

امید، حرکت و تلاش را در پی دارد و به زندگی و فعالیت می انجامد. کودک به زاده شدن، شیر خوردن، ایستادن و راه رفتن، بیمار به بهبود، زندانی به آزادی و گرسنه به غذا امید دارد. امید، عامل مهمی در تربیت، رشد و سلامت افراد است. زمانی که امید از میان می رود، زندگی معنای خویش را از دست می دهد. در این باره علی (علیه السلام) می فرماید:

اگر ناامیدی به قلب انسان دست یابد، حسرت و اندوه آدمی را از پای درمی آورد.

مؤلفه های سازه امید

اموری را که زیر بنای امید، باعث تقویت و پشتوانه امید مطرح هستند، عناصر امید می توان نامید. عناصری که بدون آنها امید متزلزل است و هر قدر که در زندگی پررنگ تر باشند، امید نیز نیرومندتر خواهد بود. تقویت آنها باعث تقویت امید است. افرادی که امید کمتر دارند، بهره ای کمتر از این عناصر می برند و آنها که امید قوی دارند، مطمئناً سهم بیشتری از این عناصر دریافت می کنند.

الف) ایمان:

امید با ایمان که عامل اساسی در زندگی است، ارتباط دارد. امید حالتی است که پا به پای ایمان گام برمی دارد. پایگاه امید چیزی جز ایمان نیست و امید بدون ایمان، دوام ندارد. ایمان به قدرت دانش و ادراک و بر پایه تجربه های زندگی و تحول ما استوار است. بدین ترتیب، بعد از شناخت و علم به چیزی، می توان به آن ایمان آورد و امید انسان بر حسب ایمان و باورش متغیر خواهد شد.

ب) صبر و شکیبایی:

شکیبایی قابلیت است که در برابر وسوسه انسانی که می خواهد ایمان و امید را به صورت خوش بینی توخالی یا ایمان نامعقول دگرگون سازد و در نتیجه ایمان و امید را از بین ببرد، مقاومت نشان می دهد. امیدی بدون صبر نخواهد بود. انسان بی صبر دچار جزع و فزع می شود. ایمان صبر را به دنبال دارد و صبر در هنگام سختی ها امید را محافظت می کند و در سایه صبر، مشکلات کوچک و تحمل پذیر می شوند.





ج) حرکت و تلاش:

هر تلاش و فعالیتی که برای تغییر صورت می‌گیرد و هدف آن زندگانی عالی‌تر، آگاهی و عقل باشد، وجود امید را مستحکم‌تر می‌سازد. امیدی که همراه حرکت و تلاش نباشد، امید نیست، چنان‌که علی (علیه السلام) می‌فرماید: آرمان هر امیدوار در کردارش نمایان است.

آثار امید

برخی از آثار ارزش‌مند امید را می‌توان در موارد زیر جست:

۱. آمادگی و انتظار برای تغییر و تحول، یعنی آمادگی داشتن برای آن چیزی که تحقق نیافته است؛
 ۲. ویژگی دیگر زندگانی افراد امیدوار، نشاط و سرزندگی است. از آن‌جا که به کار و هدفشان ایمان دارند، افرادی پرنشاط هستند و دیگران در کنار آنها، احساس دیگری را تجربه می‌کنند. آنان چشم به راه موقعیت مناسب‌تر و عالی‌تر هستند و از موقعیت کنونی خود برای ساختن موقعیتی والاتر استفاده می‌کنند؛
 ۳. یکی از نتایج سودمند امیدواری، آمادگی برای رو به روشن شدن با دشواری‌های پیش‌روست. کسی که مأیوس است، به هنگام پدید آمدن برخی مشکلات، دچار نابسامانی‌های فراوانی خواهد شد، اما شخص امیدوار انگیزه فراوان برای تحمل و چیره شدن بر دشواری‌ها دارد؛
 ۴. انسان‌هایی که سرشار از امیدند، در میدان‌های مختلف زندگی، همواره در راستای اهداف و برنامه‌هایی حرکت می‌کنند که از قبل مشخص کرده‌اند. بدین ترتیب، تمامی مراحل زندگی را هدف‌مند می‌بینند؛
 ۵. کسانی که امیدشان بسیار است، جرأت بیشتری برای تحقق اهدافشان دارند. آنها زمینه‌های دست‌یابی به خواسته‌هایشان را فراهم می‌کنند که باعث افزایش نیرو و انگیزه می‌شود و جرأت آنها را چند برابر می‌نماید؛
 ۶. فردی که با امید زندگی می‌کند، در استفاده از تمام فرصت‌ها برای دسترسی به موضوع امیدش می‌کوشد؛ کوششی که نتیجه‌اش موفقیت و نشاط، و نهایتاً سلامت روانی خواهد بود. نقش امید در سلامت روانی تعیین‌کننده و محوری است. دوآن‌شولتس سلامت روانی را پیش‌نگر می‌داند، نه پس‌نگر. او دورنما را چیزی می‌داند که شخص امیدوار است بشود، نه آن‌چه پیش‌تر روی داده است و دگرگون‌پذیر نیست. او می‌افزاید که من، نگاهی را که به آینده می‌نگرد و بر هدف‌ها، آمال و رویاهای درازمدت تمرکز می‌یابد، خوش‌آیند می‌یابم. البته پیش‌بینی و برنامه‌ریزی و تلاش برای آینده، از ماندن در رویدادهای گذشته، سالم‌تر به نظر می‌رسد.
- آپورت، یکی از صاحب‌نظران علم شخصیت معتقد است:
- [اشخاص برخوردار از سلامت روان] فعالانه در پی هدف‌ها و امیدها و رؤیاهای خویش‌اند، و رهنمون زندگی‌شان، معناجویی و ایثار و حسن تعهد است.

راه‌های افزایش امید





برای رسیدن به امید راه‌هایی وجود دارد که هم فرد و هم جامعه باید آن را طی کنند.

۱. راه‌های فردی:

الف) توکل بر خداوند: هنگامی که انسان خداوند را در همه کارها عامل اصلی بداند و معتقد باشد که اگر او بخواهد هر کاری شدنی است، روح امیدواری در وی تقویت می‌شود. اعتماد به خدا ویژگی سودمندی است که فرد را در مقابل یأس و ناامیدی مقاوم می‌سازد. فرد متوکل پیش‌فرض‌هایی را پذیرفته که مهم‌ترین آنها باور به قدرت، حکمت، و شفقت خداوند بر بندگانش است.

ب) گرایش به خوبی‌ها و پرهیز از بدی‌ها: انسان‌هایی که به کارهای نیک تمایل دارند و به یاد خدا هستند و حضور خداوند در زندگی را پذیرفته‌اند، به اخلاق و معنویت پای‌بندند و بهره بیشتری از امید دارند. از سوی دیگر، گناه و اصرار بر آن‌که باعث تیرگی دل و دوری از خداوند می‌شود، ناامیدی تدریجی را به دنبال خواهد داشت. گرایش به خوبی و دوری از بدی، انسان را از پوچی و بی‌هدفی می‌رهاند و به خشک شدن ریشه ناامیدی و افزایش امید و آرامش و نشاط می‌انجامد.

ج) رشد و شکوفایی استعدادها: آنها که توانایی‌های خویش را افزایش می‌دهند، امید را رشد می‌دهند، چرا که با رشد ابعاد مختلف خویش، توانایی آنها توسعه می‌یابد و از احساس امنیت بیشتری برخوردار می‌شوند.

۲. راه‌های اجتماعی:

الف) وجود امید در طبقه یا جامعه: رشد امید در انسان به میزان فراوانی معلول وجود امید در جامعه یا طبقه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند. لذا هر چقدر که امید انسان در کودکی زایل شده باشد، اگر در طول زندگی دورانی سرشار از امید و ایمان بر او بگذرد، امیدش دوباره زنده می‌شود. و آن‌گاه که جامعه و گروه، روح امیدواری خود را از دست داده باشند، فرد نیز به افسردگی و ناامیدی گرایش پیدا می‌کند.

ب) محیط زندگی انسانی: جامعه‌ای که ارزش‌های انسانی بر آن حکومت کند و عاری از هرگونه جنگ و خونریزی، چپاول، دروغ‌گویی و بی‌عدالتی باشد، بستر مناسبی برای رشد امیدواری است. محیطی که در بهره‌گیری از امکانات آن، تبعیض نباشد و امکان پیشرفت در سطوح مختلف برای قشرهای متفاوت جامعه فراهم شده باشد، تأثیر بسزایی در افزایش امید دارد.

ج) وجود آزادی حقیقی: در فضایی که افراد می‌توانند تصمیم بگیرند و اختیار دارند که روش و منش خود را به دور از تبلیغات دروغین بلکه از روی عقل و خرد برگزینند و می‌توانند برای زندگی‌شان طرح بریزند و تصمیمات خویش را سرنوشت‌ساز بدانند، آنان سرشار از امید خواهند شد.

د) برخوردار از نظام ارزشی مناسب: فرهنگی که امور در آن مشخص است، سؤال‌های اساسی در آن پاسخ دارند، برنامه‌هایش ارائه‌شدنی و آشکار باشد، افراد بدانند که در کدام جهت حرکت می‌کنند و





بایدها و نبایدها و سیر صعودی رشد تبیین شوند، پوچ‌گرایی و به تبع آن یأس و ناامیدی جایی نخواهند داشت بلکه حاصل آن رشد و شکوفایی و امیدواری خواهد بود.

نشانه‌های ناامیدی

واکنش افراد در برابر زایل شدن امید، به دلیل شرایط تاریخی، شخصی، روانی، حقوقی و...، به میزان فراوانی با یکدیگر متفاوت است. در مجموع معمولاً افرادی که امیدشان به یأس مبدل و یا این‌که به کلی زایل می‌شود، ممکن است به یکی از موارد ذیل گرایش داشته باشند:

۱. تن‌پروری: با خاموش شدن روزنه‌های روشنایی و امیدواری تلاش و کوشش نیز بیهوده تلقی می‌شود. آنها که از امید بی‌بهره هستند، برای تلاش و سازندگی شور و نشاط لازم را ندارند، دست به کاری نمی‌زنند و معمولاً تن‌پرور و تنبل هستند.

۲. اغتشاش و ویران‌سازی: از آن‌جا که انسان بدون امید قادر به زندگی نیست، از زندگی متنفر می‌شود. چون می‌تواند زندگانی را بیافریند، آن را ویران می‌سازد و خود را به ویرانی کامل می‌کشاند و سرنوشت دیگران برای او اهمیت نمی‌یابد.

۳. تطبیق خود با خوش‌بینی متوسط: برخی از مردم در واکنش به زایل شدن امید، خود را با خوش‌بینی متوسط، تطبیق و جبران می‌کنند. تا هنگامی که دیگران زمزمه می‌کنند، اینان نیز زمزمه می‌نمایند و به جای ناامیدی خواست‌های خود را بسیار تنزل می‌دهند و از تعالی و خود شکوفایی خویش باز می‌مانند.

۴. سنگ‌دلی: با از دست دادن حس شفقت و نوع‌دوستی، فرد، نمی‌تواند به دیگری دل ببندد و لذا یخ‌زده و افسرده باقی می‌ماند. بر این باور است که دیگر می‌تواند و باید دیگران را آزار دهد و وقت‌خواری به سر آمده است و کسی توان آزارش را ندارد.

امید و انتظار

انتظار به معنای چشم به راه بودن است. انتظار آن‌گاه معنا پیدا می‌کند که پشتوانه‌ای مانند امید داشته باشد. انتظار محصول و نتیجه امیدواری است. هرچه امید بیشتر باشد، انتظار نیز با معنادارتر خواهد بود. انتظار، داشتن توقع خاص از زمان است. انتظار یعنی درست از کار درآمدن محاسبات. آن‌گاه که زمین را حفر می‌کنیم، امید یافتن آب و چشم به دیدن آب داریم. وقتی که امید شکل گرفت، تا محقق شدن و به ثمر نشستن موضوع، انتظار می‌کشیم. انتظار امید را به لقاء و چشم روشنی وصل می‌کند.

کودکی که مادرش را به امید پاسخ دادن صدا می‌زند، انتظار او چشم دوختن به عکس‌العمل مادر است. آن‌گاه که مادر پاسخ گوید، انتظار به سر می‌آید و امید محقق می‌شود. پشتوانه انتظار، استحکام



امید است. هرچه امید از موازین قطعی تری برخوردار باشد، انتظار عقلانی تر خواهد بود. به عبارت دیگر، هر چقدر احتمال تحقق موضوع امید بیشتر باشد، انتظار نیز با معنادارتر خواهد بود. واقع بینی و حقیقت خواهی، انتظار را شکل می دهد. سر فصل انتظار، امیدواری است، و از همین روی، گاهی به جای امید از واژه انتظار استفاده می کنند که همان معنا را می رساند. برای مثال، زمانی که شخصی می گوید: منتظر چنین رویدادی بودم، یعنی امید به تحقق آن داشتم. انتظار حکایت از قوت امیدواری است. هرچه احتمال انجام امید به یقین نزدیک تر باشد، انتظار پررنگ تر می شود. موضوعی که توقع انجامش را داریم، چگونگی عمل کرد آن را پیش بینی می کنیم و پیش گویی هایی در مورد محدودیت ها و گستره آن ارائه می کنیم؛ به هر مقدار که از پشتوانه ای علمی و عقلی محکم تری برخوردار باشد، تحقق امید بیشتر خواهد بود، و به همین نسبت، انتظاری معقول و منطقی در پی خواهد آمد.

انتظار در مکتب شیعه، علاوه بر این که نوعی امید به آینده است، چشم به راه رویدادی بزرگ و تحولی عمیق بودن است، چرا که طی شدن فاصله میان غیبت و ظهور پدیده ای عادی نیست بلکه حادثه ای به وسعت تاریخ بشر است. برای تجسم عظمت آن، اشاره به این نکته کافی می نماید که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، تبلور همه آرمان ها و آرزوهای محقق نشده انسان در طول قرون و اعصار گذشته تاکنون است. بر این اساس، فردای ظهور، فردایی است روشن تر و بهتر از امروز، زیرا همه اختلاف ها و خصومت ها که ناشی از محدودیت اندیشه و نارسایی عقل بشر است، از میان برمی خیزد و در پرتو شکوفایی خرد، جای خود را به عطف، رحمت و مناسبات صمیمانه می بخشد. با تکیه بر این مبانی، دیگر در میان پیروان مکتب انتظار، افسردگی جایی ندارد.

امید و اعتقاد به منجی

اعتقاد به منجی اعم از این که مسئله ای فطری باشد یا نباشد، نقش تعیین کننده ای در فرآیند امیدواری دارد. خوش بینی به زمان و به سرانجام و فرجام امور، روزنه های امید را می گشاید. این که قرار است با فراهم شدن زمینه، نجات بخشی بیاید و خوبی ها را به ارمغان آورد، روشنایی بخش است. اعتقاد به منجی، روشن انگاشتن آینده جهان و آخر خط دانستن وضعیت کنونی جهان است. از همین روی، در همه ادیان الهی بشارت موعود نوید می بخشد. ظهور منجی، معرفتی است به واقعیت که اساسی خلقی دارد. آن مدینه فاضله و آرمانی که به بشر وعده داده شده، آن مصلحی که قرار است جهان را متحول سازد و آن نجات دهنده ای که از هر بدبختی می رهاند و همه غل ها و زنجیرها را می گشاید و عقل ها را شکوفا می سازد، آن چه را انسان لیاقت دارد و باید بشود، به او می بخشد.

نظام مهدوی و چشم انداز امید



۱. نظام ارزشی مهدوی، نظامی پویا و جامع است؛
۲. دارای اهداف و برنامه‌ها مشخص است؛
۳. در این نظام، منجی زنده است؛
۴. دلایل عقلی و نقلی محکم بر وجود منجی و حکومتش فراوان است؛
۵. برای تمام رفتار مردم، برنامه دارد؛
۶. اصلاحات به نفع همه گروه‌هاست؛
۷. عدالت مطلق را در پی دارد؛
۸. تمامی علم در اختیار انسان قرار می‌گیرد؛
۹. عقل‌ها شکوفا می‌گردند؛
۱۰. آسمان بارانی می‌شود، بدون این که آسیبی برساند؛
۱۱. زمین هرچه دارد آشکار می‌سازد؛
۱۲. کینه‌ها از بین می‌رود؛
۱۳. امنیت همه جا را فرا می‌گیرد؛
۱۴. ظلم و فساد برچیده می‌شود؛
۱۵.

احساس امید در سایه انتظار ظهور

در مکتب وحی و تعالیم پیامبران آینده جهان کاملاً روشن و سرشار از ارزش، امید، هدایت، رشد، صلح، امنیت، رفاه، عدالت و آبادانی است. امید به تحوّل و رسیدن به آینده روشن، بستر و زیربنای مکتب انتظار است. اصولاً، انتظار به معنای امید و آرزو است.^۱ تفکر انتظار، بارقه امید را در دل انسان بر می‌افروزد: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...﴾^۲. امام علی علیه السلام فرمود: مردم! در آخرالزمان و واپسین حرکت تاریخ، بزرگ‌مردی از فرزندانم ظهور می‌کند. هنگامی که پرچمش به اهتزاز درآید، شرق و غرب جهان را روشن سازد. با ظهورش موجی از شادی و نور، عالم‌گستر می‌گردد.^۳ براساس تفکر انتظار، شرح وظایف منتظران، امید به آینده و تن ندادن به اوضاع حاکم بر جهان و تاریخ است. چنان‌چه امام علی علیه السلام می‌فرماید: "انتظار فرج داشته باشید و از لطف خدا مأیوس

۱. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور حضرت مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۲۰۴.

۲. «و زمین (رستخیز) به نور پروردگارش تابناک می‌گردد» سوره زمر، آیه ۶۹. امام صادق (ع) ﴿بِنُورِ رَبِّهَا﴾ را "إِمَامُ الْأَرْضِ" می‌نامند (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳).

۳. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳، باب ۵۷، ح ۱۷.



و ناامید نگردید، زیرا بهترین کارها در پیشگاه خدای عزوجل انتظار فرج است^۱. بنابراین، انتظار یعنی عدالت‌خواهی و ادامه مقاومت و مبارزه در ابعاد جهانی که معطوف به سرنوشت همه بشریت است. انتظار این پیام امیدبخش را برای مؤمنان، ستم‌دیدگان، و مستضعفان جهان با خود دارد که: امیدوار و پایدار باشید، تسلیم نشوید و ضعف و سستی نشان ندهید، که فرج و پیروزی نزدیک است. از جهت روان‌شناختی، انسان امیدوار، همواره برای حل مشکلات با خلاقیت و نوآوری راه‌های نوینی را آزمون می‌کند و هیچ‌گاه به بن‌بست و سرخوردگی نمی‌رسد^۲. امام سجاد علیه السلام فرمود: "أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ مِنْ أَعْظَمِ الْفَرَجِ"^۳. انتظار ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام از بزرگ‌ترین گشایش‌ها است. امیدی برخاسته از فلسفه و مکتب انتظار، متناظر به وعده و اراده حتمی خداوند مبنی بر پیروزی نهایی حق بر باطل و چیرگی مستضعفان و مظلومان تاریخ بر مستکبران و ستم‌کاران است. این امید والا، همیشه دریچه‌های جدیدی به روی پیروان مکتب انتظار می‌گشاید و بن‌بست‌های را که زایده ایدئولوژی‌های دروغین ارتجاعی و استکباری را که مبتنی بر دوام ظلم و استکبار است در هم می‌شکند. بنابراین، امید، حالت حاکم بر تمام فعالیت‌های ذهنی و روحی و رفتاری شخص منتظر است؛ یعنی حتی در زمان دردمندی و تشویش و دلهره، او خود را تسلیم حالت پیش‌آمده و موقعیت حاکم بر اجتماع و اوضاع زمانه نمی‌کند. چون او در پس تمام این ناملازمات و تشویش‌ها و گرفتاری‌ها و اندوه‌های طولانی، ساحل امن را می‌بیند و دل مطمئنی را جست‌وجو می‌کند. او می‌داند این بیم‌ها ناپایدار است و با ظهور امام منتظر، تمام تشویش‌ها، سرانجام به نجات و امید ختم می‌گردد. انسان هر انتظار و تصویری از آینده داشته باشد، به نوعی همان انتظار و تصویر تحقق خواهد یافت. اگر انسان می‌خواهد از زندگی لذت ببرد، بایستی با امید زندگی کند. بنابراین انسان باید تصویری زیبا از آینده بسازد و همواره امیدوار باشد و آینده را آنگونه که دوست دارد مجسم نماید و باور کند که روز به روز، موفق‌تر، شادتر و خوشبخت‌تر می‌شود. این موضوع در مکتب انتظار به خوبی خود را نمایان می‌سازد^۴. آنچه این نوع انتظار را از دیگر انواع انتظار مخرب و ویران‌گر متمایز می‌سازد و شادابی و سرزندگی را در معتقدانش به ارمغان می‌آورد و برای این طراوت ایجاد شده پایانی نیست، امید است. اساساً در آموزه‌های اسلام،

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۲. نظری شاری، عبدالله، فصلنامه بلاغ، نقش انتظار در بهداشت روانی ۹۲، ص ۱۱۲.

۳. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبه، ص ۴۹.

۴. موحدی، محسن، مکاتبه اختصاصی با دانشنامه مجازی امامت و ولایت. زیتتی، علی، گفتمان مهدویت سخنرانی

و مقاله‌های گفتمان نهم ج ۲، انتظار و امنیت روانی، ص ۲۹۷.





آرزوی ظهور منجی جزء باورهای شیعه به‌شمار می‌آید تا به واسطه ظلم و تعدی و نواقص اجتماعی بشر، انسان دچار یأس و ناامیدی نگردد و زندگی اجتماعی را برای همیشه تاریک و ناراحت‌کننده نبیند.^۱

امید، معنا و روح انتظار و نتیجه ایمان به مهدویت و ثمره دل‌بستگی به منجی موعود است. امید، از مهم‌ترین آثار روان‌شناختی انتظار است. انتظار، کانون و سرچشمه امید است، امید به آینده‌ای نوید بخش و سعادت آفرین، امید به آینده‌ای که در آن با ظهور حجت خدا در زمین و در سایه حکومت عدل‌گستر جهانی آن حضرت، جوامع انسانی از یک تاریخ ستم و فساد و ناهنجاری‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلح و صلاح را در پیش می‌گیرد و دنیا در پرتو تحقق حکومت عدل الهی، "مدینه فاضله" و "آرمان‌شهر" آمال و آرزوهای دیرین آدمی و سرشار از عدالت و آسایش و آرامش می‌گردد.^۲ انسان به امید زنده است. امید سرچشمه حیات و سرزندگی و پویایی روانی است. آن‌گاه که خورشید گرما بخش امید در دل آدمی غروب کند، تاریکی سپه‌روزی، و زنگار سرخوردگی و افسردگی آیینۀ جان او را تیره و تار می‌کند و روح زندگی را در او به مسلخ می‌کشد. سرخوردگی، ناامیدی، و افسردگی‌های حاصل از شکست جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های خودساخته بشر که روزگاری دستوره‌های نهایی و تنها راه رسیدن به کمال و شادکامی تلقی می‌شد، اندیشه ناستواری همه چیز را در ذهن‌ها انداخته است. بی‌اعتمادی به همه چیز و همه کس روح آدمی را دست‌خوش نگرانی و هراس ساخته و آرامش و امید و شادی را از آن برگرفته است. این است که با آزمون و ناکارآمدی تمام ایدئولوژی‌های بشری، امروزه موجی از بدبینی، منفی‌نگری، خودکشی، رویکرد به انواع مواد مخدر، باده‌گساری، لابلالی‌گری، هرزه‌گرایی، روسپی‌گری، نفرت و تباهی‌جویی و گریز از زندگی، همراه با احساس غبن، و فریب ناشی از ایمان نارسا به آرمان‌های شکست خورده، گریبان‌گیر بشر امروز شده است و کابوسِ یأس و نومیدی آن‌چنان سایه سنگین خود را بر گستره گیتی گسترده که روزنه امید برای نجات بشریت باقی نمانده و تفکر نابودی انسان و انهدام جهان توسط تسلیحات اتمی و هیدروژنی امروزه به عنوان یک باور قطعی درآمده و افراد بسیاری از پایان جهان در فلان سال خبر می‌دهند!^۳ زیان تحمل‌ناپذیر این شکست، بیشتر در آن است که نسل‌های فریب‌خورده را دیگر نمی‌توان به آینده امیدوار و مؤمن ساخت، زیرا در اندیشه آنان بشریت شکست خورده و به بُن‌بست رسیده است و آینده جز فساد، تباهی، و نابودی ندارد.^۴

۱. [زهره سادات مرتضوی | مرتضوی، زهره سادات]]، ماهنامه شمیم یاس، فلسفه انتظار، ص ۳۲.

۲. نظری شاری، عبدالله، فصلنامه بلاغ، نقش انتظار در بهداشت روانی ص ۹۲، ۱۱۲، ۱۱۳.

۳. نظری شاری، عبدالله، فصلنامه بلاغ، نقش انتظار در بهداشت روانی ص ۹۲، ۱۱۱.

۴. الهامی، داود، آخرین امید، ص ۸.



موضوعاتی که امید به تحقق آن از مکتب رهایی‌بخش انتظار سرچشمه می‌گیرد بسی فراوان است و همه جنبه‌های حیات انسانی را در بر می‌گیرد. اما در اینجا به مهم‌ترین موضوعات و متعلقات امید در مکتب نجات‌بخش انتظار می‌پردازیم: امیدی که از انتظار سرچشمه می‌یابد، ریشه در فطرت کمال‌گرا و عدالت‌خواه انسان دارد و پشتوانه این امید، نوید حتمی خداوند به پیروزی صالحان و مستضعفان جهان است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱. امید، ایمان به غلبه نهایی حق و نابودی باطل است.^۲

انتظار، نور سپید و بارقه امید را در دل انسان زنده می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾^۳. امام صادق علیه السلام ﴿بِنُورِ رَبِّهَا﴾ را "إِمَامُ الْأَرْضِ" می‌نامند.^۴ امام علی علیه السلام فرمود: "يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ... إِذَا هَزَّ رَأْيْتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ"^۵؛ "در واپسین حرکت تاریخ و آخرالزمان، بزرگ‌مردی از فرزندانم ظهور می‌کند. هنگامی که پرچمش به اهتزاز درآید، شرق و غرب جهان را روشن سازد. با ظهورش موجی از شادی و نور، عالم‌گستر می‌گردد". امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: "انْتَظَرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْتَظَرُ الْفَرَجِ"^۶؛ "انتظار فرج داشته باشید و مأیوس و نومید از لطف و رحمت خدا نگردید؛ زیرا بهترین کارها در پیشگاه خدای عزوجل انتظار فرج است". انتظار پویا، پیوند و قرابت برجسته‌ای با حرکت و امید دارد. حرکت و امید از برآیندهای انتظار است و انتظار، جهت‌دهنده حرکت و امید.^۷

پیام امیدبخش انتظار، از یک طرف مسئله بسیار حیاتی برای توده‌های در بند و ستم کشیده است، و از طرف دیگر مسئله خطرناکی برای قدرت‌های حاکم بر سرنوشت بشر و محافظان نظام کنونی جهان است؛ زیرا منتظران به امید پیروزی نهایی حق بر باطل، به ساختن خود و جامعه می‌پردازند و در برابر مشکلات، ظلم و طغیان می‌ایستند و مقاومت می‌کنند که این خود برنده‌ترین اسلحه برای ستم‌ستیزان و بزرگ‌ترین تهدید برای ستم‌گران است. انتظار،

^۱. «و در زبور پس از تورات نگاشته‌ایم که بی‌گمان زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد» سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

^۲. نظری شاری، عبدالله، مکتبه اختصاصی با دانشنامه امامت و ولایت.

^۳. «و زمین (رستخیز) به نور پروردگارش تابناک می‌گردد و کارنامه (ها) برنهاد می‌شود و پیامبران و گواهان را می‌آورند و میان آنان به حق داوری می‌کنند و بر آنان ستم نخواهد رفت» سوره زمر، آیه ۶۹.

^۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ص ۲۵۳.

^۵. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۳.

^۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

^۷. نظری شاری، عبدالله، مکتبه اختصاصی با دانشنامه امامت و ولایت.



کانون و سرچشمه امید است، امید به آینده‌ای نویدبخش و سعادت‌آفرین، امید به آینده‌ای که در آن جهانیان از ستم و فساد و ناهنجاری‌ها رهایی یافته، و بشریت راه خیر و صلح و صلاح را در پیش می‌گیرد و دنیا در پرتو تحقق عدل الهی، "مدینه فاضله" و "آرمان شهر" آمال و آرزوهای دیرین آدمی و سرشار از عدالت و آسایش و آرامش می‌گردد.^۱

انتظار، حالتی روحی و روانی است که از ناخرسندی انسان از وضعیت موجود و امید به گذار از این حالت و رسیدن به وضعیت مطلوب حکایت می‌کند. لذا حالت حاکم بر تمام فعالیت‌های ذهنی، روحی و رفتاری شخص منتظر، امید است. آنچه این نوع انتظار را از دیگر انواع انتظار مخرب و ویران‌گر متمایز می‌کند، همین نکته است. در کنار تمام ناملایمات، تلخی‌ها، ناهنجاری‌ها و تشویش‌ها، امید به آینده روشن است که از عمق جان انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و آنها را به تکاپو وامی‌دارد.^۲ به گفته شهید مطهری: "اصل انتظار فرج"، از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل "حرمت یأس از رُوح الله" است. انسان‌های مؤمن هرگز امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و نومیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند. این حالت عدم یأس، و امیدواری به رُوح الله، یک حالت عمومی و بشری است نه فردی و گروهی، در حالی که با نویدهای خاص و شخصی که به آن قطعیت داده است همراه می‌باشد.^۳

گستره امیدواری در مکتب انتظار

ابعاد و گستره امیدواری در مکتب انتظار را می‌توان در چهار محور کلی بررسی کرد:

۱. امید به شکل‌گیری و استقرار مدینه فاضله: ایجاد جامعه آرمانی و رسیدن به مدینه فاضله، گرایش فطری بشری است؛ بشر از ابتدای آفرینش همواره به امید برپایی جامعه‌ای سرشار از قسط و عدل روزگار سپری کرده است و برای تحقق این آرمان سترگ تلاش نموده است، اگر چه روز به روز بر ابعاد ظلم در زندگی او افزوده شده است، و این هدف، به آرمان دست نیافتنی برای او درآمده است. شهید صدر در باب گرایش همگانی به حکومت جهان‌گستر عدل می‌گوید: "اعتقاد به مهدی علیه السلام تنها نشانه یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست، بلکه افزون بر آن، عنوانی است بر خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها با کیش‌ها و آیین‌های گوناگون؛ و نیز بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب در یافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرا رسیدن آن، هدف

۱. نظری شاری، عبدالله، فصلنامه بلاغ، نقش انتظار در بهداشت روانی ۹۲، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۲. سبحانی‌نیا، محمد، مهدویت و آرامش روان، ص ۱۱۷.

۳. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۷.



نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد...^۱. بنابراین فرهنگ انتظار و پیام مهدویت در دنیای امروز یک صدای آشنا و یک آرمان مفهوم، معقول، و مطلوب است. مفهوم آرمان شهر که روزگاری با مفهوم "اتوپیا" یعنی ناکجا و لامکان گره خورده بود که در آن، شخص منتظر و خواستار آن را، فرد از جهان گسسته و خیال‌باف می‌نامیدند، به هم ریخته است.^۲ امروز "آرمان‌شهر" و ناکجا آباد در حال تشخیص و تعریف شدن است. در منابع اسلامی آمده است که او روزی خواهد آمد که جهان لبریز از ستم شده باشد، و می‌آید تا جهان را سرشار از عدالت کند.^۳ در بینش انتظار، امروز آن زمان نزدیک به نظر می‌رسد، همان‌طور که قرآن بشارت داده است: ﴿الْيَسَّ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾^۴.

۲. امید به همراهی محبوب: امید همراهی و مصاحبت با آخرین حجت خداوند متعال، شوق‌آفرین و حرکت‌زاست که در منابع اسلامی به منتظران، مژده همراهی و درک حضور داده شده است: "طُوبَى لَشِيعَتِنَا الْمُتَمَسِّكِينَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا الثَّابِتِينَ عَلَي مَوَالَاتِنَا وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أئِمَّةً وَرَضِينَا بِهِمْ شِيعَةً فَطُوبَى لَهُمْ ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ وَهُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ"^۵؛ "خوشا بر احوال شیعیان ما که به ریسمان ما در دوران غیبت قائم ما، تمسک جسته‌اند، آنان از ما و ما از ایشانیم، آنان از ما به عنوان پیشوایان دین رضایت دارند و ما از آنان به عنوان شیعیان، خوشا بر احوال آنان و خوشا بر احوال آنان، سوگند به خدا آنان در روز قیامت همراه ما در درجات ما هستند."

۱. صدر، سید محمدباقر، بحث حول المهدي، ص ۷-۸.

۲. اتوپیا یا یوتوپیا یک واژه جدید است که از ریشه یونانی یوتوپیس ساخته شده و مفهوم نفی زمان و مکان را در بردارد. می‌گفتند: هر کس از «مدینه فاضله» صحبت می‌کند؛ معادل این است که از لامکان و ناکجا آباد صحبت کرده باشد.

۳. رسول اعظم (ص): "يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِه قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجَوْرًا" (ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹، باب ۳۱، ح ۲).

۴. «آیا پگاه نزدیک نیست؟» سوره هود، آیه ۸۱. نظری شاری، عبدالله، فصلنامه بلاغ، نقش انتظار در بهداشت روانی، ص ۱۰۹-۱۱۰.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.



۳. امید به پاداش اخروی: امید به پاداش آخرت یکی دیگر از ابعاد امیدواری مکتب انتظار است. در تبیین آیه شریفه **(لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ)**، حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: "وَالْإِمَامُ يُبَشِّرُهُمْ بِقِيَامِ الْقَائِمِ وَبِظُهُورِهِ وَبِقَتْلِ أَعْدَائِهِمْ وَبِالنَّجَاةِ فِي الْآخِرَةِ وَالْوُرُودِ عَلَى مُحَمَّدٍ (ص) وَآلِهِ الصَّادِقِينَ عَلَى الْحَوْضِ"^۱؛ "مراد از بشارت در حیات دنیا و آخرت این است که امام، مؤمنین را به قیام قائم آل محمد علیه السلام و به ظهور او و به قتل دشمنان‌شان و به نجات در آخرت و وارد شدن بر محمد و آل صادقین او در کنار حوض کوثر با خیر و نیکی و پاداش اخروی مزدگانی می‌دهد".

۴. امید به حسن عاقبت: اطمینان به هدایت یافتن و نیز حسن عاقبت و تداوم هدایت در روایات اسلامی بیان شده که این موجبات امیدواری و سلامت دینی فرد منتظر است. امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: "طُوبَى لِمَنْ تَمَسَكَ بِأَمْرِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا فَلَمْ يَزِغْ قَلْبُهُ بَعْدَ الْهِدَايَةِ... وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: (طُوبَى لَهُمْ وَحَسُنَ مَا أَجَبُوا)^۲؛ "خوش بر احوال کسی که در زمان غیبت به امر ما ملتزم باشد، قلب چنین شخصی از امر هدایت روی‌گردان نمی‌شود، و این قول خداوند است: خوشا بر آنان و آنان را فرجام نیکوست"^۳.

امید یکی از دستاوردهای دولت مهدوی

با تأمل در شاخصه‌های امید راستین، به خوبی در می‌یابیم که امید برخاسته از مکتب انتظار، مبنی بر پیروزی نهایی حق بر باطل و چیرگی مستضعفان و مظلومان تاریخ بر مستکبران و ستم‌کاران و قدرت یافتن صالحان در زمین، یک امید حقیقی و راستین است و تمام ویژگی‌های آن را دارد:

۱. «در زندگی این جهان و در جهان واپسین نوید آنان راست. هیچ دگرگونی در کلمات خداوند نیست، این است که رستگاری سترگ است» سوره یونس، آیه ۶۴.

۲. نهاوندی، محمد، *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*، ص ۱۹۴-۱۹۵؛ و نیز: نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، ص ۱۹۵.

۳. «خوشا بر آنان و آنان را فرجام نیکوست» سوره رعد، آیه ۲۹. بحرانی، سیدهاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۳، ص ۲۵۴؛ و نیز: حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین، *تفسیر اثنی‌عشری*، ج ۶، ص ۳۸۳.

۴. نظری شاری، عبدالله، *مکاتبه اختصاصی با دانشنامه امامت و ولایت*.



مبتنی بر اراده حتمی خداوند است: ﴿وَوَیْرِدُ أَنْ نُمُنَّ عَلَی الذِّیْنَ اسْتَضَعُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِیْنَ﴾^۱.

در تمام ادیان آسمانی این وعده و نوید به بشریت داده شده است: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِی الصَّالِحُونَ﴾^۲.

فرصت‌ساز و مبتنی بر آینده سرشار از عدالت و صلح و دوستی و امنیت و معنویت برای تمام بشریت، با ظهور و حضور حجت خدا در زمین است: پیامبر اعظم (ص): "وَلَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیَا إِلَّا یَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَٰلِكَ حَتَّى یَخْرُجَ قَائِمُنَا فِیْمَلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا"^۳؛ "اگر از دنیا جز روزی باقی نماند، خداوند آن روز آن چنان طولانی گرداند تا قائم ما ظهور کند، پس جهان را سرشار از قسط و عدالت گرداند، چنان‌که از ظلم و ستم پر شده بود".

این امید مبتنی بر محبت و مؤدّت اهل بیت پیامبر (ص) و نجات بشریت توسط فرزندی از نسل پاک آن حضرت است: "حَتَّى یَخْرُجَ قَائِمُنَا فِیْمَلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا...".

بنابراین، امیدی که از مکتب انتظار ریشه می‌گیرد امید راستین و حقیقی و یک آرمان واقعی است و با دیگر امیدها تفاوت اساسی دارد. امید و آرزوهای آدمی، گاهی واهی و بی‌پایه و اساس است و ریشه در جای مستحکمی ندارد. اما امیدی که از انتظار سرچشمه می‌یابد ریشه در فطرت کمال‌گرا و عدالت‌خواه انسان دارد؛ تمام کتاب‌های آسمانی و ادیان توحیدی آن تصدیق کرده و برای تحقق یقینی و وقوع قطعی آن، می‌توان ده‌ها مدرک عقلی و صدها سند نقلی ارائه کرد.^۴

راهکارهای ایجاد و تعمیق امید

با توجه به نیاز افراد و ملت‌ها به روحیه امیدواری، ضرورت ایجاد می‌کند که بر اساس اطلاعات مفیدی که در فرهنگ غنی مهدوی موجود است، راه‌کارهایی برای ایجاد و تعمیق امید استخراج و در اختیار مراکز علمی و فرهنگی قرار داده شود. در همین باره به برخی از این راه‌کارها اشاره می‌شود:

۱. «و برآنیم که بر آنان که در زمین ناتوان شمرده شده‌اند منت گذاریم و آنان را پیشوا گردانیم و آنان را وارثان (روی

زمین) کنیم» سوره قصص، آیه ۵.

۲. «و در زبور پس از تورات نگاشته‌ایم که بی‌گمان زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد» سوره انبیاء، آیه

۱۰۵.

۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر، ص ۱۶۵.

۴. نظری شاری، عبدالله، فصلنامه بلاغ، نقش انتظار در بهداشت روانی ۹۲، ص ۱۱۳.





۱. تدوین نظام ارزشی مهدوی

امید، بیشتر زائیده فضایی است که در آن امور مشخص شده باشد. بشر، بیشتر در زمان آینده به سر می‌برد، و زمان حال، بیشتر با توجه به پیش‌بینی آینده حرکت می‌کند. انسان، پیوسته در راه اجرای اهدافی است که برای آینده تصور می‌کند. حال هرچه برداشت ما از اهداف آینده، روشن‌تر باشد و جزئیات آن بهتر معین باشد، اجرای آن اهداف و برنامه‌ها عملی‌تر و ممکن‌تر خواهد بود. در نتیجه، انتظار و امید، منطقی و عاقلانه خواهد بود. در فرهنگ غنی مهدویت برنامه‌ها و حتی جزئیات آنها هم مشخص است. محور اصلاحات، خصوصیت حکومت و کارگزاران، ارزش‌های حاکم بر فرد و جامعه، قوانین و ساختارها، و تمامی آنچه انتظارش را می‌کشیم، معین شده است، و بایستی با تکیه بر مجموع احادیث به تدوین نظام مهدوی پرداخت.

۲. تبیین مفهوم و معنای انتظار

هدف اصلی از انتظار، زنده نگه‌داشتن روح امید و نشاط، احساس تعهد و مسئولیت، و پیوند روحی با امام موعود است. انسان منتظر، پیوندی گسست‌ناپذیر با هدف‌ها و آرمان‌های امام موعود خود دارد، و در آن راستا گام بر می‌دارد. جامعه اسلامی و دین‌باوران راستین، باید از رخنه و سوسه‌های شیطانی در دل خود مانع گردند، و در دوران تباهی‌ها و دشواری‌ها در دل و درون خود، استوار و محکم باشند. بایستی با ایمان به حتمیت وعده‌های الهی، پیروزی دین خدا و تحقق جامعه عدالت بنیاد مهدوی را وعده‌ای تخلف‌ناپذیر دانست. در دعاها، حالت انتظار منتظران واقعی، چنین ترسیم شده‌است:

اگر روزگاران به درازا کشد و عمر طولانی شود، یقینم به تو افزون گردد، و دوستی‌ام فزونی یابد، و چشم به ظهورت دارم و منتظرم.

بایستی توجه داشت که برای ظهور، وقت تعیین نشده‌است، و وقوع آن را همواره ناگهانی توصیف کرده‌اند. از علی (علیه السلام) نقل است که می‌فرماید:

در برپایی حکومت حق شتاب مکنید، پیش از آن‌که زمان (مناسب) آن فرا رسد، که پشیمان خواهید شد. و زمان (آن) را دور و دراز نپندارید که دل‌های تان سخت (و نا امید) شود.

ظهور فرج که بزرگ‌ترین پدیده تاریخ جهان است، دارای شرایط و زمان ویژه خود است و نبایستی بی‌صبری و عجله نمود. دیگر این‌که با توجه به وجود شرایط مناسب، نباید زمان ظهور نیز بسیار دور تصور شود بلکه بایستی چنین پنداشت که در عین حالی که زمان و شرایط مناسب برای این حادثه عظیم ضروری است، لیکن این شرایط شاید در زمانی بس اندک پدید آید و محیط آماده ظهور و فرج گردد، به گونه‌ای که ممکن است در یک شب کار ظهور سامان یابد، و صبح آن شب، امام ظاهر گردد. بنابراین، گذشت روزگاران و



دیرپایی نظام‌های ستم بنیاد و انبوهی حوادث، منتظر راستین را در نیمه شب سرد و تاریک یلدای زندگی، از آینده مأیوس نخواهد ساخت.

۳. امکان توجه و لطف خاص امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در مکتب مهدوی که امام موعود زنده و حاضر است، امکان مورد توجه خاص قرار گرفتن اهمیت ویژه‌ای دارد. امام در هر کجا که باشد حاضر است و اگر افراد لایق باشند، این تجربه میسر خواهد شد. باید با خیرخواهی و مشکل‌گشایی و اذکاری چون دعای عهد و زیارت آل‌یاسین، که نمونه‌هایی از این مناسک هستند، به این تجربه دست یافت.

۴. کمک‌رسانی امام مهدی به مردم

الف) روایاتی بر توجه به و همراهی امام موعود با مردم دلالت دارند:

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود:

الْإِنْفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَبَّهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛

بهره بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که زیر ابرها باشد.

برای به دست آوردن سیرت آن حضرت در دوران غیبت می‌توان از برخی روایات، دعاها، زیارت نامه‌ها، توقیعات و نامه‌های آن حضرت به بعضی از شیعیان و یا نقل قول‌های متواتر از افراد مورد وثوق که به شرف حضور نائل آمده‌اند، استفاده برد.

آنچه بیش از همه در میان ادعیه، توقیعات و... به چشم می‌خورد، عنایت خاص آن حضرت به وضعیت شیعیان و گرفتاری‌های آنان در عصر غیبت است. به برخی از نکاتی که در این متون آمده، اشاره می‌شود:

یکم. آگاهی از وضعیت و احوال شیعیان

در توقیعی که برای شیخ مفید صادر شده، آمده است:

فَإِنَّا يُحِيطُ عَلَمَنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ؛

ما بر اخبار و احوال شما آگاه‌ایم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی‌ماند.

دستگیری درماندگان، راه‌یابی گم‌شدگان، شفای بیماران لاعلاج، خیرخواهی و دعا برای مؤمنان، شرکت در تشییع برخی از آنان، حل بعضی از مشکلات علمی علما، خبردادن از پاره‌ای رویدادهای مهم، دستگیری باطنی افراد و... از جمله کارهای آن حضرت در این خصوص است، چه او را بشناسند و چه نشناسند، و چه توسط خود آن حضرت صورت گیرد و یا توسط برخی یاران و خواص آن حضرت.

دوم. حفظ و نجات شیعیان از گرفتاری‌ها و شر دشمنان

در همان توقیع آمده است:



إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمِرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لَذِكْرِكُمْ، وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّاءُ وَأَوْءَاءُ أَوْ اصْطَلَمَكُمُ الْاَعْدَاءُ؛ ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود، دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد، و دشمنان شما را ریشه کن می‌نمودند.

سوم. حضور در میان مردم

در روایتی از امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است :
 فَوَرَبِّ عَلِيٍّ إِنَّ حُجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ، مَاشِيَةٌ فِي طُرُقَاتِهَا [طَرَفِهَا]، دَاخِلَةٌ فِي دُورِهَا وَ قُصُورِهَا، جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذِهِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا، تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تُسَلِّمُ عَلَيَّ الْجَمَاعَةَ؛
 سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان آنان هست، در کوچه و بازار آنها گام برمی‌دارد و بر خانه های آنان وارد می‌شود و در شرق و غرب جهان به سیاحت می‌پردازد و گفتار مردمان را می‌شنود و بر اجتماعات آنان وارد شده، سلام می‌دهد.

در دعای ندبه نیز می‌خوانیم:

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنْنا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا؛
 جانم فدایت! تو آن غایبی هستی که از میان ما بیرون نیستی، جانم فدایت! تو آن دور شده از وطنی هستی که از ما دور نشده‌ای.

چهارم. حضور همیشگی در مراسم حج

وَاللَّهِ إِنْ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلُّ سَنَةٍ يَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ؛
 آن حضرت هر سال در موسم حج حضور می‌یابد، همگان را می‌بیند و می‌شناسد، اما دیگران او را می‌بینند ولی نمی‌شناسند.

پنجم. تبیین ویژگی‌های عصر ظهور

آیات و روایات روشن‌گر و نویدبخش ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دلالت می‌کنند که مأموریت الهی آن حضرت بسیار بزرگ و دارای ابعادی مختلف و گسترده است که زندگی بشر را در زمین دگرگون می‌سازد و فصل نوی را به روی انسان‌ها می‌گشاید.
 مأموریت آن حضرت منحصر بر زنده کردن اسلام از نو و برپایی تمدن عادلانه و الهی و پرتوافشانی آن بر جهان نیست بلکه علاوه بر آن، ترقی و تکامل زندگی بشر را از لحاظ مادی در عصر خود و بعد از آن به گونه‌ای تأمین خواهد کرد که با مراحل گذشته، مقایسه شدنی نخواهد بود.
 مضمون برخی از روایات در این خصوص چنین آمده است:



- برکات زمین و آسمان بر دولت گشوده می‌شود و زمین، گنجینه‌های خود را برای او خارج می‌سازد و کلیدهایش را تسلیم او می‌کند. و زمین بعد از مردنش زنده شود.
- در مال و دارایی بخشنده است، و بر مسئولان و کارگزارانش سخت می‌گیرد، و با ناتوانان و مستمندان، بسیار دل‌رحم و مهربان است؛ بیمار با دیدنش بهبود می‌یابد و ضعیف با مشاهده او قوی و نیرومند می‌شود.
- با قیامش، خداوند از شیعیان، عیب و آفت را می‌برد و دل‌هایشان را چون پاره‌های پولاد محکم می‌سازد و به هر کدامشان نیروی چهل مرد را می‌دهد و آنان را حاکمان و سرداران زمین می‌کند.
- در روزگارش به عدل حکم نماید، هر حقی به اهلش برگردانده شود، ظلم و ستم تماماً نابود گردد.
- با قیامش ۲۵ حرف از ۲۷ حرف علم را آشکار سازد و آنها را در بین مردم منتشر کند و با دست گذاشتن بر سرهای بندگان خدا خردهایشان را به کمال رساند و اخلاقشان را کامل سازد.
- دولتش سرتاسر زمین را از شرق تا غرب عالم فرا گیرد، و به دولت و خلافت او، همه اهل آسمان‌ها و زمین حتی پرندگان آسمانی هم راضی باشند.
- با ظهور او، نه با انزال باران که آن جای خود دارد بلکه با برانگیختن مردانی که عدالت را زنده کنند، زمین را با احیای عدالت زنده نماید.
- با برپایی دولتش، هم شر برود، هم اشرار هلاک شوند، هم زنا برود و هم ربا رفع شود، خیر و خوبی و خوب‌ها بمانند. مردم بر عبادت و دیانت روی آورند و به راه شرع قدم نهند، نمازها را به جماعت بخوانند. عمرها طولانی شود و امانات ادا شوند، درختان پربار و برکت‌ها چند برابر شود.
- با قیامش امنیتی برقرار شود که پیرزن ناتوان از شرق به غرب رود، در حالی که احدی به او آزار نرساند.
- در بین یاران اندکش، پنجاه زن باشد، و زنان در دولتش به کتاب خدا و سنت رسول قضاوت کنند، در حالی که در کنج خانه‌هایشان نشسته باشند.
- اموال را میان مردم چنان به تساوی تقسیم کنند که نیازمندی یافت نشود تا به او زکات دهند. اموال را بدون شمارش تقسیم کنند، و هرکس نزد او آید و گوید: به من مالی بده! او بی‌درنگ بگوید: بگیر!
- با قیامش دزدی‌ها و راهزنی‌ها از بین می‌رود. اموال دنیا از دل زمین و روی زمین نزد او گرد آید. آن‌گاه به مردم بگوید: بیایید این اموال را بگیرید، همان اموالی که برای آنها قطع رحم کردید، خون ریختید و مرتکب حرام شدید.
- با فروش کالا به مؤمن، سود گرفتن حرام شود، و خداوند بی‌نیازی را در دل بندگان بیفکند، و کینه‌ها از بین برود و صفا و صمیمیت همه جا حاکم شود.





- آسمان چنان باران رحمت خود را بباراند و زمین چنان رویدنی‌های خود را برویاند که زنی از عراق تا شام را پیاده‌روی کند، در حالی که قدم جز بر سبزه‌زار ننهد، و زیتش بر سرش باشد، اما نه ترسی از درنده‌ای و نه خوفی از کسی داشته باشد.



تجلی انتظار در فرهنگ مهدویت

در مورد وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت، بسیار سخن گفته شده است. حتی در بعضی کتاب‌ها، از جمله کتاب مکیال المکارم فی فواید الدعاء للقائم تا هشتاد وظیفه برای منتظران خاتم اوصیا حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء آمده است.^۱ از آنجا که تبیین همه وظایفی که شیعیان در عصر غیبت بر عهده دارند، در این محدوده نمی‌گنجد، به شماری از مهم‌ترین وظایف اشاره می‌کنیم:

۱. شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام

اولین و مهم‌ترین وظیفه ای که هر شیعه منتظر برعهده دارد، کسب معرفت نسبت به وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. این موضوع چنان اهمیتی دارد که در روایات بسیاری که شیعه و اهل سنت از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده اند، چنین آمده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً؛ هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است».^۲

در روایت دیگری، کلینی از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتَتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ، تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ، وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فُسْطَاطِهِ».^۳ هر کس در حالی که امامی نداشته باشد، بمیرد، مردنش، مردن جاهلیت است و هر آن که در حال شناختن امامش بمیرد، پیش افتادن یا تأخیر این امر [دولت آل محمد علیهم السلام]، او را زیان نرساند و هر کس بمیرد در حالی که امامش را شناخته، همچون کسی است که در خیمه قائم [علیه السلام] با آن حضرت باشد. در مورد مفهوم، ضرورت و شاخصه‌های معرفت امام پیش از این، به تفصیل سخن گفتیم و در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.^۴

۲. پیراستگی از بدی‌ها و آراستگی به خوبی‌ها

وظیفه مهم دیگری که هر شیعه منتظر بر عهده دارد، پیراستن خود از ویژگی‌های ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ، فَلْيَتَّظِرْ، وَ

۱. ر. ک: مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۶۸ و ج ۳۲، صص ۳۲۱ و ۳۳۳؛ همچنین ر. ک: ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۷۲.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۵.

۴. ر. ک: بخش دوم همین کتاب.



لَيَعْمَلُ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ، وَ هُوَ مُتَنَتِّرٌ...^۱ هر کس دوست دارد از یاران حضرت قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و در این حال، به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار کند، در حالی که منتظر است.

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور، همه شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فرا خوانده است: «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِيءٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ (لِيَجْتَنِبَ) مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعْتَهُ فُجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حَوْبَةٍ.^۲ پس هر یک از شما باید آنچه را موجب دوستی ما می‌شود، پیشه خود سازد و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ما به یک‌باره و ناگهانی فرا می‌رسد و در آن زمان، توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه، کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد».

تهذیب نفس و دوری گزیدن از گناهان و کردار ناشایست، به عنوان یکی از وظایف منتظران در عصر غیبت، چنان اهمیتی دارد که در توفیق شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت صاحب الامر خطاب به شیخ مفید (ره) صادر گشته، کردار ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می‌زند، یکی از اسباب یا تنها سبب طولانی شدن غیبت و دوری شیعیان از لقای آن بدر منیر شمرده شده است... «فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نُكْرَهُهُ وَ لَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ.^۳ ... پس تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می‌دارد، همانا چیزهای ناخوشایندی است که از ایشان به ما می‌رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی‌رود».

باید توجه داشت تنها زمانی می‌توانیم خود را منتظر امام عدالت‌گستر و پیرو او بدانیم که در زندگی فردی و اجتماعی خویش، راه و روش مورد نظر او را اجرا کنیم، چنان‌که در نامه امیرمؤمنان علی علیه السلام خطاب به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره آمده است: «أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ...^۴ آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پوید و از نور دانش او روشنی جوید. بدان که پیشوای شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده بسنده کرده و دو قرص نان را خوردنی خویش ساخته است. بدانید که شما چنین نتوانید کرد، ولی مرا به پارسایی و کوشیدن و پاک‌دامنی و درستی ورزیدن یاری کنید».

۱. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۲۰۰، ح ۱۶.

۲. الإحتجاج، ج ۲، ص ۵۹۹؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶، ح ۷.

۳. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

۴. نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، نامه ۴۵، ص ۳۱۷.

از همین روست که در دعای ندبه می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ... وَ أَعْنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَ الْأَعْجِيْبَاتِ فِي طَاعَتِهِ وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَ أَمْنِ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ»^۱ خداوند! ... ما را در راه ادای حقوق او (امام مهدی علیه السلام)، تلاش در پیروی از او و دوری از مخالفت او یاری کن و با خشنودی او بر ما منت گذار».

در اینجا ممکن است پرسیده شود: از کجا می‌توان فهمید که امام زمان علیه السلام از ما چه می‌خواهد و چه کاری را می‌پسندد؟ در پاسخ به این پرسش باید دو نکته را یادآور شویم:

امام زمان علیه السلام، ادامه دهنده راه اهل بیت علیهم السلام

به اعتقاد ما، همه امامان معصوم علیهم السلام، مفسران کتاب خدا و بیان‌کنندگان سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند. رضایت و خشنودی امام زمان علیه السلام نیز در چیزی نیست جز آنچه در کتاب خدا آمده یا در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیگر امامان معصوم علیهم السلام به آن اشاره شده است. به بیان دیگر، اگر کسی به همه تکالیف و وظایفی که در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام به آنها امر شده است، عمل کند و از همه محرمات و گناهانی که در این دو منبع الهی از آنها نهی شده است، دوری جوید، خواهد توانست رضایت امام عصر علیه السلام را چنان که باید و شاید، به دست آورد. بنابراین، هیچ لزومی ندارد که ما حتماً از زبان امام زمان علیه السلام بشنویم که ایشان از چه رفتار و گفتاری، خشنود و از چه رفتار و گفتاری، ناخشنود می‌شود. چنان‌که پیش از این گفته شد، با مراجعه به دعایی مانند «دعای مکارم الاخلاق» که از امام سجاد علیه السلام نقل شده است، می‌توانیم پی ببریم که امام زمان علیه السلام از ما چه می‌خواهد و چه کاری را می‌پسندد.

عوامل خرسندی و ناخرسندی امام

در احادیث، زیارت‌ها و دعاهایی که در طول دوران غیبت صغری و پس از آن، به صورت توقیع یا صورت‌های دیگر از امام مهدی علیه السلام برای ما به یادگار مانده است، به صراحت تمام، آنچه موجب خرسندی یا ناخرسندی آن حضرت می‌شود، بیان و چگونه عمل کردن، چگونه سخن گفتن و چگونه اندیشیدن به ما آموخته شده است. از این رو، با مراجعه به مجموعه ارزشمند یادگارهای آن حضرت و تأمل و تدبّر در آنها می‌توان به راحتی هدایت را از گمراهی و صراط مستقیم را از راه کج باز شناخت. گفتنی است مجموعه سخنان و رهنمودهای امام عصر علیه السلام را برخی نویسندگان، جمع‌آوری و در قالب کتاب منتشر کرده‌اند.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۹.

۲. از آن جمله می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: محمد خادمی شیرازی، مجموعه سخنان، توقیعات و ادعیه حضرت بقیه‌الله علیه السلام، چاپ دوم: قم، رسالت، ۱۳۷۷؛ سید حسن شیرازی، کلمة الإمام المهدی علیه السلام، ترجمه: سید حسن افتخارزاده سبزواری، تهران، آفاق، چاپ اول: ۱۴۰۷ ه. ق؛ محمد الغروی، المختار من کلمات الإمام المهدی علیه السلام، چاپ اول: قم، مؤلف، ج ۳، ۱۴۱۴ ه. ق.



برای روشن تر شدن موضوع، شایسته است که به یکی از این یادگارهای گران قدر امام عصر علیه السلام نگاهی بیفکنیم؛ همان دعای معروفی که با جمله «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ...» آغاز می شود و در اوایل مفاتیح الجنان نیز آمده است. در این دعای کوتاه و مختصر، امام مهدی علیه السلام هر آنچه را شایسته است خود را بدانها آراسته یا از آنها پیراسته سازیم، در قالب درخواست از خدا بیان کرده و به صورت غیرمستقیم به ما فهمانده است که به عنوان حجت خدا، چه انتظاری از ما دارد و چگونه شیعه‌ای را برای خود می پسندد.

با هم بخش‌هایی از این دعا را می خوانیم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَ أَكْرَمَنَا بِالْمُهْدَى وَالْإِسْتِقَامَةَ وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةَ وَ أَمَلًا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَ طَهِّرْ بَطُونَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ الشُّبُهَةِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرْقَةِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ وَ أَسَدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ^۱ بار خدایا! توفیق فرمان برداری، دوری از گناهان، درستی و پاکی نیت و شناخت حرام‌ها را روزی ما فرمای. ما را به راهنمایی و پایداری گرامی دار و زبان ما را در درست‌گویی و گفتار حکیمانه استوار ساز. دل ما را از دانش و معرفت سرشار کن و درون ما را از حرام و مال شبهه ناک پاکیزه گردان و دست ما را از ستمگری و دزدی بازدار و چشم ما را از فجور و خیانت بپوشان و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت ببند.»

در ادامه این دعا، امام عصر علیه السلام، ویژگی‌هایی را که شایسته عالمان، دانش‌پژوهان، پیران، جوانان، زنان، توانگران، تنگ‌دستان، جنگ‌جویان، حکمرانان و دیگر قشرهای اجتماعی است، برمی شمارد و از خداوند می‌خواهد به هر یک از این گروه‌های اجتماعی، ویژگی‌هایی را که شایسته آنهاست، عطا فرماید.

۳. تلاش برای حفظ ایمان در زمان غیبت

از آنجا که در زمان غیبت، خطرات فراوانی برای ایمان و عمل پیش می‌آید و فکرها و مذاهب انحرافی در مسیر انسان پیدا می‌شود و دوستان‌نمایان شیطانی سعی در گمراهی انسان دارند، انسان منتظر، پیوسته در حفظ ایمان و عمل خود می‌کوشد. در این زمینه، او پیرو مجتهد جامع الشرایط مورد سفارش و توجه امامان معصوم علیهم السلام است؛ زیرا او کسی است که از نظر علمی و عملی، مورد تأیید آن حضرت قرار گرفته است.

۴. پیوند با مقام ولایت

حفظ و تقویت پیوند قلبی با امام عصر علیه السلام و تجدید دائمی عهد و پیمان با آن حضرت، یکی دیگر از وظایف مهمی است که هر شیعه منتظر در عصر غیبت بر عهده دارد. بدین معنا که یک منتظر واقعی حضرت حجت علیه السلام با وجود غیبت ظاهری آن حجت الهی هرگز نباید احساس کند که در جامعه،

۱. مفاتیح الجنان، دعای امام زمان علیه السلام.



رها و بی مسئولیت رها شده است و هیچ تکلیفی نسبت به امام و مقتدای خود ندارد. این موضوع در روایات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

در روایتی، امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر این کلام خدای تعالی: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکبیا باشید و دیگران را به شکیبایی فرا خوانید و مراقب باشید و از خدا بترسید. باشد که رستگار شوید.

می‌فرماید: «إِصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدْوَكُمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكُمْ [الْمُنْتَظَرُ]»^۲ بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید و پیوند خود را با امام منتظران مستحکم سازید.

همچنین امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه یاد شده می‌فرماید: «إِصْبِرُوا عَلَىٰ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَلَىٰ الْمَصَائِبِ وَ رَابِطُوا عَلَىٰ الْأُئِمَّةِ»^۳ بر واجبات صبر کنید و یکدیگر را بر مصائب به صبر وا دارید و خود را بر پیوند با امامان [و یاری آنها] ملتزم سازید.

روایات دیگری نیز به همین مضمون از امام جعفر صادق و امام موسی کاظم علیه السلام وارد شده است که برای رعایت اختصار، آنها را نمی‌آوریم.^۴

در روایت‌های متعددی، امامان ما، شیعیان خود را به تجدید عهد و بیعت با امام زمان خود سفارش کرده و از آنها خواسته‌اند در آغاز هر روز و حتی پس از هر نماز واجب، دعای عهد بخوانند. همه این موارد از اهمیت پیوند دائمی شیعیان با مقام عظمای ولایت و حجت خدا حکایت دارد.

یکی از مشهورترین دعاها عهد، دعایی است که سید بن طاووس آن را در کتاب ارزشمند مصباح الزائر به نقل از امام صادق علیه السلام روایت کرده و در ابتدای آن آمده است: «مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَىٰ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ مِنْ قَبْرِهِ، وَ أَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ»^۵ هر کس چهل بامداد، خدا را با این عهد بخواند، از یاوران قائم ما خواهد بود. پس اگر پیش از [ظهور] قائم از دنیا برود، خداوند تعالی، او را از قبرش خارج می‌سازد [تا قائم را یاری دهد]. خداوند به شماره هر کلمه [از آن]، هزار حسنه به او عطا کند و هزار بدی را از او برطرف می‌سازد.

۱. سوره آل عمران (۳)، آیه ۲۰۰.

۲. کتاب الغیبه (نعمانی)، ص ۱۹۹؛ همچنین ر. ک: البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۴.

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۳۴، ح ۲.

۴. همان.

۵. مصباح الزائر، ص ۴۵۵؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۱۱.



به دلیل اهمیت و اعتبار مضمون این دعای شریف، بخشی از آن را نقل می‌کنیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أجددُ لَهُ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي لَا أُحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ أَبَدًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَلِينَ لِأُؤْمَرِهِ وَنَوَاهِيهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.^۱ بار خدایا! من در بامداد این روز و تمام دوران زندگانی‌ام، عهد و عقد و بیعتی را که از آن حضرت بر گردن دارم، با او تجدید می‌کنم که هرگز از آن عهد و بیعت برنگردم و بر آن پایدار بمانم. بار خدایا! مرا از یاران آن حضرت و از مدافعان [حریم مقدس] او و شتابندگان در پی انجام هدف او و اطاعت کنندگان از دستورها و نواهی او و حمایت کنندگان از [وجود شریف] او و سبقت‌جویان به سوی خواسته او و شهیدان در حضورش قرار ده».

دقت در عبارتهای بالا می‌تواند تصویری روشن از مفهوم عهد و پیمان با امام و حجت زمان را ترسیم کند؛ عهد و پیمانی ناگسستنی برای یاری و نصرت امام زمان خود و پیروی مخلصانه و تا پای جان از اوامر و نواهی او. آیا اگر هر شیعه منتظر در آغاز هر روز، با حضور و توجه، چنین عهد و پیمانی را با امام و مقتدای خود تجدید کند، هرگز به سستی، خواری، ستم و بی‌عدالتی تن خواهد داد؟ آیا هرگز حاضر خواهد شد که به رضای مولا و سرور خود بی‌اعتنا باشد و گناه کند؟ بی‌تردید، اگر چنین فرهنگی در هر جامعه‌ای حاکم شود و همه تنها در پی رضای امام زمان خود باشند، آن جامعه هرگز دچار بحران فرهنگی، از خودبیگانگی، نومیدی و انحطاط نخواهد شد. مسلم است اگر همه شیعیان با هم‌دلی و همراهی، دست بیعت و یاری به سوی مولا و سرور خود دراز کنند و بر یاری او هم‌داستان شوند، دیری نخواهد پائید که فرج مولایشان را درک خواهند کرد و برای همیشه از ستم‌ها و ذلت‌ها رهایی خواهند یافت. در توقیع شریفی که پیش از این نیز به بخشی از آن اشاره شد، آمده است: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا، وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ، عَلَى إِجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.^۲ اگر شیعیان ما که خداوند آنان را در اطاعتش یاری دهد، در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده است، یک‌دل و مصمم می‌شدند، نعمت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدار ما برای آنها با معرفت کامل و راستین نسبت به ما تعجیل می‌شد».

شیعیان منتظر علاوه بر دعای عهد می‌توانند با بهره‌گیری از دعاها و زیارت‌های دیگری که مرتبط با امام عصر علیه السلام است، پیوند دائمی خود را با آن امام برقرار سازند که از آن جمله به دعای ندبه، دعای فرج، دعای زمان غیبت، استغاثه به امام زمان علیه السلام، زیارت آل‌یاسین، زیارت امام عصر در روز جمعه، نماز امام زمان و

۱. همان.

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.



مانند آن می‌توان اشاره کرد. دعا به امام زمان علیه السلام در قنوت و تعقیب نمازهای پنج‌گانه نیز می‌تواند در ایجاد ارتباط و انس بیشتر با آن حضرت نقش داشته باشد. چشم انتظاران امام عصر علیه السلام همچنین می‌توانند با حضور در مساجد و مکان‌های مقدسی که به امام عصر علیه السلام منسوب است، مانند مسجد جمکران در قم، مسجد سهله در نجف و سرداب مقدس سامرا، پیوند خویش را با آن حضرت روز به روز مستحکم‌تر سازند.

۵. تمسک به ریسمان ولایت اهل بیت علیهم السلام

ولایت اهل بیت علیهم السلام دو گونه است:

۱. ولایت تکوینی.

۲. ولایت تشریحی.

ولایت تکوینی بدین معناست که حضرات معصومین علیهم السلام به اذن و اراده الهی، می‌توانند در مقام تکوین و عینیات خارجی، دخل و تصرف کنند، مانند معجزات انبیاء علیهم السلام و کرامات اولیاء علیهم السلام، و ولایت تشریحی، به معنای ولایت و سرپرستی جامعه و مؤمنین است. امامان معصوم علیهم السلام، هر کدام در زمان خود، ولی و سرپرست جامعه بوده و مردم را هدایت تشریحی می‌کنند.

از جمله وظایف مهم منتظران در زمان غیبت، چنگ زدن به ریسمان ولایت اهل بیت علیهم السلام است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

« طُوبَى لَشِيعَتِنَا الَّتِي مَسَّكِنَ بِحَبْلِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِنَا. ^۱ خوشا به حال شیعیان ما! آنان که در زمان غیبت قائم ما به ریسمان [ولایت] ما تمسک می‌جویند.»

همچنین امام سجاد علیه السلام فرمودند:

« مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ مَوْلَاتِنَا «ولایتنا» فِي غَيْبِهِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرِ وَ أَحَدٍ ^۲. هر کس در غیبت قائم ما بر دوستی [و عقیده به امامت ما] ثابت قدم باشد، خدای متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد به او عطا می‌کند.»

۱. کمال الدین، ج ۲، باب ۳۴، ح ۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۳۹.



و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامُهُمْ»^۱. زمانی بر مردم فرا رسد که پیشوایشان از آنان غایب گردد. زراره پرسید: در آن زمان مردم چه کنند؟ امام علیه السلام فرمود: «يَتَمَسَّكُونَ بِالْأَمْرِ الَّذِي هُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ»^۲. به همان امر [ولایتی] که برآند چنگ زنند، تا برایشان آشکار شود.»

۶. زمینه سازی و کسب آمادگی برای ظهور حجت حق

یکی دیگر از وظایفی که به تصریح روایات، در دوران غیبت بر عهده شیعیان و منتظران فرج قائم آل محمد علیهم السلام است، کسب آمادگی‌های نظامی و فراهم کردن تسلیحات مناسب هر عصر برای یاری امام غایب است. در روایتی که نعمانی از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: «لَيَعِدَنَّ أَحَدُكُمْ لَخُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَوْ سَهَمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ لِأَنْ يَنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ [فَيَكُونُ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ]»^۳. هر یک از شما باید برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی] آماده کند، هر چند یک تیر باشد. خدای تعالی هر گاه بداند کسی چنین نیتی دارد، امید آن است که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند [و از یاران و همراهانش قرار گیرد].»

در روایت دیگری، شیخ کلینی از امام ابوالحسن موسی کاظم علیه السلام نقل می‌کند: «... مِنْ أَرْتَبْتَ دَابَّةً مُتَوَقَّعًا بِهٖ أَمْرُنَا وَ يَغِيزُ بِهٖ عَدُوَّنَا وَ هُوَ مَنْسُوبٌ إِلَيْنَا أَدَّرَ اللَّهُ رِزْقَهُ، وَ شَرَحَ صَدْرَهُ وَ بَلَغَهُ أَمَلَهُ وَ كَانَ عَوْنًا عَلَيَّ حَوَائِجِهِ»^۴. هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که او منسوب به ماست، خداوند روزی اش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا کند، او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته‌هایش یاری کند.»

همچنین شیخ کلینی از ابو عبدالله جعفری، روایتی را نقل می‌کند که توجه به مفاد آن سودمند است: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَمْ الرِّبَاطُ عِنْدَكُمْ؟ قُلْتُ: أَرْبَعُونَ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَكِنْ رِبَاطُنَا الدَّهْرُ»^۵. حضرت ابو جعفر محمد بن علی (امام باقر علیه السلام) به من فرمود: متتهای زمان مرابطه (مزداری)^۶ نزد شما چند روز است؟ عرضه داشتم: چهل روز. فرمود: ولی مرابطه ما مرابطه ای است که همیشه هست....»

۱. همان، ج ۲، باب ۳۳، ح ۴۴.

۲. مجمع البحرين، ص ۲۹۷.

۳. کتاب الغیبه (نعمانی)، ص ۳۲۰، ح ۱۰.

۴. الکافی، ج ۶، ص ۵۳۵، ح ۱.

۵. همان، ج ۸، ص ۳۸۱، ح ۵۷۶.

۶. «مرباطه» چنانکه فقیهان در کتاب جهاد گفته‌اند، این است که شخص مؤمن برای جلوگیری از هجوم و نفوذ مشرکان و کافران در مرزهای کشور اسلامی یا هر موضعی که از آن احتمال حمله‌ای علیه مسلمانان می‌رود، به حال



علامه مجلسی در شرح این فرمایش امام می‌فرماید: بر شیعیان واجب است که خود را بر اطاعت امام برحق و انتظار فرج او ملتزم سازند و برای یاری‌اش آماده باشند.^۱

شیخ محمد حسن نجفی (م ۱۲۶۶ ه. ق) نیز در کتاب جواهرالکلام در شرح این روایت می‌فرماید: رابطه در این روایت به معنای اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه روز است، همچنان‌که در بعضی از روایات نیز به این معنا اشاره شده است، نه رابطه مصطلح در فقه.^۲ شاید بتوان گفت کلام صاحب جواهر نیز در نهایت به همان کلام مجلسی برمی‌گردد که فرمود: رابطه در این روایت به معنای آمادگی برای یاری امام منتظر است.

رمز اینکه شیعه باید هر لحظه آماده یاری امام خود باشد، این است که زمان ظهور مشخص نیست و هر آن‌که اراده خداوند تعلق گیرد، ممکن است ظهور رخ دهد. بنابراین، شیعیان باید همواره در حال آماده‌باش به سر برند تا در زمان ضرورت، به فرمان امام خود برای مقابله با مستکبران و ستم‌کاران جهان به پا خیزند.

با نگاهی به تاریخ شیعه می‌توانیم به عمق باور مردم به موضوع ظهور و آمادگی همیشگی آنها برای این موضوع پی ببریم. ابن بطوطه در سفرنامه خود می‌نویسد: ندبه شیعیان حله برای امام زمان: ... در نزدیکی بازار بزرگ شهر، مسجدی قرار دارد که بر در آن، پرده حریری آویزان است و آنجا را «مسجد صاحب‌الزمان» می‌خوانند. شب‌ها پیش از نماز عصر، صد مرد مسلح با شمشیرهای آخته... اسبی یا استری زین کرده می‌گیرند و به سوی مسجد صاحب‌الزمان روانه می‌شوند. پیشاپیش این چارپا، طبل و شیپور و بوق زده می‌شود. سایر مردم در طرفین

آماده باش و در کمین به سر برد. ر. ک: محمدحسن نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۳۹. این عمل در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام مستحب بوده و فضیلت‌های بسیاری برای آن بر شمرده شده است، چنان‌که در روایتی که به طریق اهل سنت از رسول گرامی اسلام نقل شده، آمده است: «رِبَاطُ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَ قِيَامِهِ، وَ إِنْ مَاتَ مُرَابِطًا جَرَى عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَ أُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَ أَمِنَ مِنَ الْقَتَانِ؛ یک شبانه‌روز مرابطه (مرزداری) در راه خدا از اینکه شخص یک ماه روزها روزه باشد و شب‌ها به عبادت قیام کند، ثوابش بیشتر است. پس هرگاه در این راه بمیرد، عملی که انجام داده است، بر او جریان خواهد یافت و روزی‌اش بر او جاری خواهد شد و از فرشته‌ای که در قبر مرده‌ها را امتحان می‌کند، ایمن خواهد ماند.» (کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۱۰۵۰۹)

در مورد اینکه حداقل و حداکثر زمان مرابطه چه اندازه است، باید گفت حداقل زمان مرابطه، سه روز و حداکثر آن چهل روز است؛ زیرا اگر از این مقدار بیشتر شود، دیگر مرابطه بر آن صدق نمی‌کند و جهاد شمرده می‌شود. شخص هم از ثواب جهادکنندگان برخوردار می‌شود. (ر. ک: جواهرالکلام، ج ۲۱، صص ۴۱ و ۴۲).

۱. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۶، ص ۵۸۲.

۲. جواهرالکلام، ج ۲۱، ص ۴۳.



این دسته حرکت می‌کنند و چون به مسجد صاحب‌الزمان می‌رسند، در برابر در ایستاده و آواز می‌دهند که: «بسم‌الله، ای صاحب‌الزمان، بسم‌الله بیرون آی که تباهی روی زمین را فراگرفته و ستم فراوان گشته. وقت آن است که برآیی تا خدا به وسیله تو، حق را از باطل جدا گرداند...» و به همین ترتیب، به نواختن بوق و شیپور و طبل ادامه می‌دهند تا نماز مغرب فرا رسد...^۱

باید توجه داشت که شیوه آمادگی برای ظهور، به شرایط زمان و مکان بستگی دارد و اگر در بعضی روایات، از آماده کردن اسب و شمشیر برای ظهور ولیّ امر علیه السلام سخن به میان آمده و برای آن، فضیلت بسیار شمرده شده است، به این معنا نیست که اینها موضوعیت دارند. با قدری تأمل روشن می‌شود که ذکر این موارد تنها به عنوان تمثیل و بیان لزوم آمادگی رزمی برای یاری آخرین حجت حق است. در این عصر بر شیعیان لازم است که با فراگرفتن فنون رزمی و مسلح شدن به تجهیزات نظامی روز، خود را برای مقابله با دشمنان قائم آل محمد علیهم السلام آماده سازند. در حال حاضر، به دلیل حاکمیت دولت شیعی و حکومت فقیه جامع شرایط بر سرزمین اسلامی ایران، این وظیفه در درجه اول بر عهده حکومت اسلامی است که در هر زمان، نیروی مسلح کشور را در بالاترین حد آمادگی نظامی قرار دهد تا به فضل خدا در هر لحظه که اراده الهی بر ظهور منجی بشر، حضرت مهدی علیه السلام قرار گرفت، بتوانند به بهترین صورت در خدمت آن حضرت باشند.

امام خمینی (ره) با وسعت دیدی که داشت، «کسب آمادگی برای ظهور» را بسیار فراتر از آنچه گفته شد، مطرح می‌کرد و معتقد بود که باید از هم اکنون برای گسترش قدرت اسلام در جهان تلاش کنیم تا زمینه ظهور چنان‌که باید، فراهم شود. ایشان در این زمینه می‌فرمود: همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود.^۲

۷. اصلاح اجتماعی

یکی از وظایف مهم مردم در دوران غیبت کبری، داشتن روحیه اصلاح‌گری در سطح جامعه است. هر فردی باید در برابر آحاد جامعه اسلامی احساس مسئولیت کرده، در راه اصلاح و ساختن افراد تلاش نماید، تا جامعه و افراد آن آماده پذیرش حکومت جهانی حضرت مهدی شوند.

۱. ابن بطوطه، سفرنامه، ج ۱، ص ۲۷۲، به نقل از: محمد حکیمی، در فجر ساحل، چاپ نوزدهم: تهران، آفاق، ۱۳۷۵،

ص ۵۵؛ برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، چاپ اول: قم، انصاریان،

۱۳۷۵، ج ۲، صص ۶۹۴-۶۹۷.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵.



اصلاح جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و قانون امر به معروف و نهی از منکر در متن دین اسلام بسیار مورد تاکید قرار گرفته است.

امام باقر علیه السلام در بیان وظایف شیعیان در دوران غیبت فرمودند: «لِيُعْنِ قَوِيكُمْ ضَعِيفَكُمْ، وَ لِيُعْطِفَ غَنِيُّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ، وَ لِيُنْصَحَ الرَّجُلُ أَخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ.^۱ توانمندان شما باید به ضعیفان کمک کنند و اغنیاء شما باید به فقیران مهربانی کنند، هر کس باید برادر [دینی] اش را نصیحت کند، نصیحتی که به نفع برادرش باشد.»

خداوند متعال می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ - تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...^۲ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند؛ [چه اینکه] امر به معروف و نهی از منکر می کنید و...»

و امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءُ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَرُدُّ الْمَظَالِمَ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ.^۳ بی تردید امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء علیهم السلام و طریقه صالحان است []. امر به معروف و نهی از منکر [و وظیفه ای سترگ [و خطیر] است که به وسیله آن سایر واجبات انجام می پذیرد و راه ها امنیت می یابد و در آمدها حلال [و مشروع] می گردد، مظالم باز گردانده می شود، زمین آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و امور سامان می یابد.»

آری اگر همه مسلمانان خود را موظف به اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی بدانند، قدم های اولیه برای نیل به جامعه ایده آل و مطلوب مهدوی برداشته می شود.

بنابراین منتظر واقعی، با درک صحیح معنای انتظار، می کوشد زمینه ظهور امام زمان علیه السلام را تقویت کند؛ بنابراین، هم به اصلاح نفس و خودسازی می پردازد و هم با امر به معروف و نهی از منکر، سعی در ساختن جامعه دارد پس او فردی متعهد برابر خود و جامعه خویش است.

۸. ارتباط با فقیهان و مراجع تقلید

از یک سو می دانیم که در دوران غیبت، هیچ یک از احکام اسلام تعطیل نمی شود و باید تا آمدن امام عصر علیه السلام، به همه آنچه اسلام از ما خواسته است، عمل کنیم. از سوی دیگر می دانیم که امکان دسترسی به امام معصوم علیه السلام و فراگرفتن مستقیم احکام دین از ایشان، برای ما وجود ندارد. حال در این شرایط چه باید کرد؟ آیا دست روی دست بگذاریم و به هیچ یک از احکام اسلام عمل نکنیم یا به هر آنچه خود احتمال می دهیم

۱. بشاره المصطفی لشبیعة المرتضی، عماد الدین طبری الاملی الکنجی، چاپ نجف اشرف، ص ۱۱۳.

۲. آل عمران/ ۱۱۰.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۶؛ التهذیب طوسی، ج ۶، ص ۱۸۰ و تحف العقول، ص ۲۲۷.



درست باشد عمل کنیم؟ به یقین، هیچ یک از این دو راه ما را به مقصود نمی‌رساند. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا امامان معصوم علیهم السلام برای شیعیان خود در زمان غیبت فکری نکرده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت ائمه علیهم السلام، تکلیف ما را در زمان غیبت و دست‌رسی نداشتن به امام معصوم مشخص کرده و به ما فرموده‌اند که به فقیهان جامع‌الشرایط مراجعه کنیم. در روایتی که امام حسن عسکری علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، چنین می‌خوانیم: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ، حَافِظًا لِدِينِهِ، مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ، مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ، فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لَا كُلُّهُمْ^۱. ... اما هر یک از فقیهان که نفس خود را بازدارنده، دین خود را نگه‌دارنده، هوای خود را پس‌زننده و اوامر مولای خود را اطاعت‌کننده بود، بر عوام (مردم) لازم است که از او پیروی کنند و تنها بعضی از فقیهان شیعه هستند که از این صفات برخوردارند، نه همه آنها».

امام عصر علیه السلام نیز در یکی از توقیع‌های خود در پاسخ اسحاق بن یعقوب می‌فرماید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ^۲. ... و اما در رویدادهایی [که در آینده] پیش می‌آید، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنها حجت بر شما هستند و من حجت خدا بر ایشان».

چنان‌که می‌دانید در طول ۶۹ سال غیبت صغری؛ یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ ه. ق، چهار تن از بزرگان شیعه به عنوان «نواب خاص»، واسطه میان امام مهدی علیه السلام و مردم بودند. آنها پرسش‌های علما و بزرگان شیعه و حتی برخی از مردم معمولی را با آن حضرت مطرح می‌کردند و ایشان پاسخ می‌دادند. با پایان یافتن دوران غیبت صغری و آغاز دوران غیبت کبرا، دیگر کسی به عنوان نایب خاص معرفی نشد و مردم موظف شدند برای یافتن پاسخ پرسش‌های دینی خود، به راویان احادیث اهل بیت علیه السلام که همان فقیهان جامع‌الشرایط بودند، مراجعه کنند. از آن زمان به بعد، فقیهان به عنوان نواب عام امام عصر علیه السلام مطرح شدند و رسالت هدایت شیعه را در عصر غیبت بر عهده گرفتند.

بنابراین، بر همه منتظران امام عصر علیه السلام لازم است که بنا به فرموده امامان خود، با پیروی از فقیهان و مجتهدان واجد شرایط، اعمال دینی خود را انجام دهند. در زمینه امور اجتماعی و سیاسی نیز وظیفه مردم، اطاعت از فقیهی است که بزرگان شیعه به عنوان «ولی فقیه» انتخاب کرده‌اند.

۹. دعا برای سلامتی امام عصر علیه السلام

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۸، ص ۹۵، ح ۲۰.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴؛ کتاب الغیبه (طوسی)، ص ۱۷۷.





از روایات و ادعیه نقل شده از معصومان برمی آید که هر شیعه وظیفه دارد پیوسته برای سلامتی امام عصر خود و رفع هرگونه خطر و آسیب از وجود شریف او دعا کند. در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. علامه مجلسی (ره) در بیان اعمال ماه مبارک رمضان می‌نویسد: از جمله وظایفی که در هر شب (ماه رمضان) مقرر شده، این است که بنده در آغاز هر دعای نیکو و در پایان هر عمل پسندیده، آن کس را که جانشین خداوند جلّ جلاله در میان بندگان و سرزمین‌های او می‌داند، یاد کند؛ زیرا آن جانشین، عهده‌دار همه نیازمندی‌های روزه‌دار است؛ از خوراکی و آشامیدنی او گرفته تا همه آنچه او در نظر دارد؛ یعنی همه اسباب و وسایلی که در اختیار جانشین پروردگار بزرگ (رب الارباب) است. همچنین هر روزه‌دار وظیفه دارد آن جانشین خدا را به آنچه شایسته مانند اوست، دعا کند و معتقد باشد که خداوند جل جلاله و جانشینش بر وی منت گذاشته‌اند که چنین جایگاه و منزلتی را به او بخشیده‌اند.^۱

مجلسی پس از این عبارت، روایتی را از ابن ابی قره نقل می‌کند که در آن، به نقل از صالحین علیه السلام چنین آمده است: در شب بیست و سوم ماه رمضان، ایستاده و نشسته و در هر حالی که هستی و همچنین در تمام این ماه و به هر صورت ممکن، بلکه در تمام مدت روزگارت، پس از بزرگداشت نام خدای تعالی و درود و صلوات بر پیامبر و خاندان او بگو: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْمَهْدِيَّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوَّلًا وَعَرْضًا...^۲ خداوندا، ولی و برپا کننده امرت، محمد، زاده حسن، مهدی را که برترین درووها و سلام‌ها بر او و پدران‌ش باد در این ساعت و در همه ساعت‌ها، سرپرست، نگه‌دار، راهبر، یاور، راهنما و پشتیبان باش تا او را [نه، از سر زور، بلکه] به اختیار [مردم] در زمین جایگاه بخشی و او را در درازا و پهنای زمین بهره‌ور و کامران سازی».

چنان‌که در عبارت مرحوم مجلسی نیز آمده بود، دعای ما به امام زمان علیه السلام در واقع شکرانه نعمت وجود حجت خداست. آن شخصیت بزرگواری که هر چه داریم از اوست و همه نعمت‌های مادی و معنوی عالم به واسطه او به ما ارزانی می‌شود.

۲. امام سجاد علیه السلام در بسیاری از دعاها و مناجات‌های خود، دعا به امام و ولی عصر را مورد توجه قرار داده است و از جمله در دعای روز عرفه از خداوند چنین درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرًا مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَأَعِنُّهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزَّ وَاشْدُدْ أَرْزَهُ وَ

۱. بحارالانوار، ج ۹۴، صص ۳۴۸ و ۳۴۹، به نقل از: إقبال الأعمال، ص ۸۶.

۲. همان.



قَوِّ عَضُدَهُ وَ رَاعِهِ بَعِيْنِكَ وَ أَحْمِهِ بِحِفْظِكَ وَ أَنْصُرَهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَمُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْأَعْلَبِ! بار خدایا، به ولی خود الهام کن که شکر نعمتی را که به او ارزانی داشته‌ای به جای آرد و به ما نیز الهام ده که شکر نعمت هدایت او را به جای آریم و او را از جانب خود سلطه و توانایی ده و به آسانی راه پیروزی بر او بگشای و به نیرومندترین ارکان قدرت خود یاری اش فرمای و پشتش محکم و بازوانش توانا گردان و زیر نظر مراقبت خویش قرار ده و در سایه حفظ خود حفظش کن و به ملائکه خود یاری اش ده و به شکر پیروزمند خود مددش رسان.

۳. امام رضا علیه السلام نیز از سال‌ها پیش از تولد نسل چهارم خود با بیان‌های متعدد و متفاوت، او را دعا کرده و یاری‌اش را از خداوند خواسته است. در یکی از این دعاها چنین می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وَ لِيكَ سُلْطَانًا وَائِذْنَ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». خداوندا! [امور] بنده و جانشینت را اصلاح کن، آن چنان که [امور] پیامبران و رسولانت را اصلاح کردی. او را با فرشتگانت در بر گیر و با روح القدس از جانب خودت یاری کن. در پشت سر و پیش روی نگهبانانی قرار ده که او را از بدی در امان دارند. بیم و نگرانی او را به امنیت و آرامش تبدیل کن تا تنها تو را بپرستد و کسی را برای تو شریک نگیرد. هیچ یک از آفریدگانت را بر ولی‌ات مسلط مساز. اجازه جهاد با دشمنان تو و دشمنان خودت را به او عطا کن و مرا از یاران او قرار ده؛ زیرا تو بر همه چیز توانایی.»

با توجه به روایات یاد شده، همه ما وظیفه داریم که پیوسته به یاد امام زمان خود باشیم و در دعاهای خود هیچ گاه دعا برای سلامتی و طول عمر آن حضرت را فراموش نکنیم؛ زیرا این دعا در گام نخست، ادای بخش بسیار ناچیزی از حقوق بی شماری است که امام عصر علیه السلام برعهده همه ما دارند و در مرحله بعد، سپاس و ستایشی است به درگاه خداوند متعال که ما را از نعمت وجود حجت معصوم خود بهره مند ساخته و آن حضرت را واسطه میان خود و بندگانش قرار داده است.

۱۰. دعا برای تعجیل فرج

۱. صحیفه سجادیه، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، چاپ چهارم: تهران، سروش، ۱۳۸۰، صص ۳۰۵ و ۳۲۵، نیاپش چهل و هفتم.

۲. معجم احادیث الإمام المهدي عليه السلام، ج ۴، ص ۱۷۱، به نقل از: شیخ طوسی، مصباح المتعجّد، بیروت، ۱۴۱۱

ه. ق، ص ۳۲۶.



یکی از وظایف مهمی که بنا به تصریح حضرت صاحب الامر علیه السلام بر عهده همه منتظران گذاشته شده، دعا برای تعجیل فرج است. امام عصر علیه السلام در توقیعی که خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر شده است، می‌فرماید: «وَأَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ؛» برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما همان است.^۱

امام حسن عسکری علیه السلام نیز دعا برای تعجیل فرج را شرط رهایی از فتنه‌های دوران غیبت دانسته است و می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَاكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَقَّعَهُ [فِيهَا] لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ»^۲. به خدا سوگند، [او] غیبتی خواهد داشت که در آن تنها کسانی از هلاکت نجات می‌یابند که خداوند آنها را بر قول به امامتش ثابت‌قدم داشته و در دعا برای تعجیل فرجش موفق کرده است.

دعا برای تعجیل فرج چنان اهمیتی دارد که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَبَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ» لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ»^۳. هر کس پس از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «خداوندا! بر محمد و خاندان او درود فرست و در فرج ایشان تعجیل کن»، نمیرد تا قائم را دریابد. در روایت دیگری نیز آمده است که هر کس چنین کند، خداوند، شصت حاجت او را برآورده می‌سازد؛ سی حاجت از حوائج دنیا و سی حاجت از حوائج آخرت.^۴

بنابراین، همه شیعیان باید در طول شبانه روز، در اوقات نماز و ایامی که در آنها دعا سفارش شده است، دعا برای تعجیل فرج را به عنوان یک تکلیف و وظیفه مهم عصر غیبت فراموش نکنند. همچنین این دعا را بر همه دعاهای خود مقدم کنند تا خداوند به برکت این دعا، آنها را از همه فتنه‌ها و آشوب‌های زمان غیبت در امان نگه دارد و همه گرفتاری‌ها و غم و غصه‌های آنها را برطرف سازد.

۱۱. بزرگداشت یاد و نام حضرت مهدی علیه السلام

مؤمنان باید نام همه معصومین علیه السلام را بزرگ بدارند و جز با تعظیم و احترام از آنها یاد نکنند. در این میان، امام مهدی علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛

اگر کسی به حقیقت، منتظر محبوب خود باشد، پیوسته در اندیشه او خواهد بود. منتظر واقعی، سعی می‌کند در همه حال، به یاد آن بزرگوار باشد و با یاد حضرت، دل و جان خود را زنده نگه دارد و اعمال خود را از انحراف

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۴؛ کتاب الغیبة (طوسی)، ص ۱۷۶.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳. مصباح المتهجد، ص ۳۲۸.

۴. ر. ک: ابراهیم بن علی کفعمی، المصباح، تهران، ۱۳۴۹، ص ۴۲۱.



و کجی‌ها حفظ کند. یاد آن حضرت، با خواندن دعاهای آن بزرگوار، توسل به آن عزیز، صدقه دادن برای سلامتی ایشان، انجام دادن خیرات به نیابت حضرت، دعا کردن برای تعجیل فرجش، ندبه کردن در فراق این امام همام و تجدید پیمان در یاری حضرت مهدی علیه السلام تحقق می‌یابد. زیرا:

۱. ایشان امام عصر و زمان ما و حجت حی و حاضر و ناظر خداوند هستند؛
 ۲. آن حضرت، وارث همه فضائل و شایستگی‌هایی هستند که در خاندان رسالت وجود داشته است؛
 ۳. آن امام، احیاکننده مکتب اهل بیت علیه السلام، بلکه احیاکننده دین و دین باوری در سراسر جهان هستند؛
 ۴. ایشان در میان امامان پیش از خود نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود تا آنجا که امام صادق علیه السلام در پاسخ کسی که از ایشان می‌پرسد: «آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟»، می‌فرماید: «لا وَا لَوْ اَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ اَيَّامَ حَيَاتِي؛ خیر، ولی اگر او را دریابم، در همه ایام زندگانی ام خدمت‌گزارش خواهم بود»^۱.
- بزرگداشت یاد و نام امام مهدی علیه السلام، مصداق‌های مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

برپا خاستن هنگام شنیدن نام‌های آن حضرت

بر همه ارادتمندان حضرت مهدی علیه السلام لازم است هنگام شنیدن نام‌ها و القاب آن حضرت، به ویژه نام مبارک «قائم» از جا برخیزند و نسبت به امام خود ادای احترام کنند.

روایت شده است روزی در مجلس حضرت صادق علیه السلام، نام مبارک حضرت صاحب الامر علیه السلام برده شد. امام ششم برای تعظیم و احترام نام آن حضرت، از جای خود برخاست و قیام فرمود.^۲

همچنین نقل شده است زمانی که دعبل خزاعی قصیده معروف خود در وصف اهل بیت علیهم السلام را در پیشگاه امام رضا علیه السلام خواند، آن امام با شنیدن نام حضرت حجت علیه السلام از جای برخاست. دست خود را به نشانه تواضع بر سر گذاشت و برای تعجیل در فرج آن حضرت دعا کرد.^۳ برخاستن هنگام شنیدن نام امام مهدی علیه السلام می‌تواند به معنای اعلام آمادگی برای یاری آن حضرت و همچنین اعلام درک حضور و شهود ایشان باشد.

نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت

شیعیان باید در روزهایی مانند اعیاد چهارگانه اسلامی (فطر، قربان، غدیر و جمعه)، شب و روز نیمه شعبان به‌طور ویژه به یاد امام غایب خود باشند و با خواندن زیارت آن حضرت و خواندن دعاهایی مانند دعای ندبه، عهد و فرج، پیمان خود را با امامشان تجدید کنند.

۱. کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۲۴۵، ح ۴۶.

۲. نجم الثاقب، ص ۵۲۳.

۳. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر علیه السلام، ج ۳، صص ۲۲۵ و ۲۲۶، ح ۱۲۴۳.



آغاز کردن هر روز با سلام به پیش‌گاه آن حضرت

منتظران امام مهدی علیه السلام باید در آغاز هر روز و در تعقیب نماز صبح، سلام به مولای خود را فراموش نکنند و بسته به فرصت و وقتی که دارند، با یکی از زیارت‌های وارد شده یا دعای عهد، به امام خود عرض ارادت کنند تا هرگز یاد و نام آن حضرت از دل‌هایشان نرود.

با توجه به آنچه گفته شد، اگر بخواهیم مفهوم انتظار در مکتب تشیع را در چند جمله بیان کنیم، می‌توانیم بگوییم انتظار در مکتب تشیع، حالت انسانی است که با پیراستن وجود خویش از بدی‌ها و آراستن آن به خوبی‌ها، در ارتباطی مستمر با امام و حجت زمان خویش، همه همت خود را صرف زمینه سازی ظهور مصلح آخرالزمان می‌سازد و برای تحقق وعده الهی نسبت به برپایی دولت کریمه اهل بیت علیهم السلام با تمام وجود تلاش می‌کند.^۱

۱۲. وظائف منتظران از منظر مقام معظم رهبری

این، آینده‌ی قطعی شماس است

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله‌العظم ارواحنفاده خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده‌ی قطعی شماس است. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند.

بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا ۲۹/۰۵/۱۳۷۶

امروز باید در جهت حکومت امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) کار و تلاش کنیم

ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (علیه‌الاف‌التحیه و الثناء و عجل‌الله‌تعالی فرجه) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم و بنا کنیم. البته، ما کوچکتر از آن هستیم که بتوانیم آن گونه بنایی را که اولیای الهی ساختند یا خواهند ساخت، بنا کنیم؛ اما باید در آن جهت تلاش و کار کنیم.

مظهر عدل پروردگار، امام زمان علیه السلام است و میدانیم که بزرگترین خصوصیت امام زمان (علیه‌الصلاة و السلام) - که در دعاها و زیارات و روایات آمده است - عدالت میباشد: «يَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا». رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان علیه السلام یک امر مستحسن، بلکه لازم و دارای آثاری است؛ زیرا امید و انتظار را به طور دایم در دل انسان زنده نگه میدارد.

بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم ۲۲/۱۲/۱۳۶۸

۱. برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیعی سروسنایی.





قبل از فرج، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست!

شما جوانان عزیز که در آغاز زندگی و تلاش خود هستید، باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی آماده کنید، دورانی که در آن، ظلم و ستم به هیچ شکلی وجود ندارد، دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر، از همیشه فعالتر و خلاقتر و آفریننده تر است، دورانی که ملتها با یکدیگر نمی جنگند، دستهای جنگ افروز عالم همانهایی که جنگهای منطقه ای و جهانی را در گذشته به راه انداختند و می اندازند دیگر نمی توانند جنگی به راه بیندازند، در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست، باید برای آن دوران تلاش کرد. قبل از دوران مهدی موعود، آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست. در روایات، «والله لتمعصن» و «والله لتغربلن» است، به شدت امتحان می شوید، فشار داده می شوید. امتحان در کجا و چه زمانی است؟ آن وقتی که میدان مجاهدتی هست. قبل از ظهور مهدی موعود، در میدانهای مجاهدت، انسانهای پاک امتحان می شوند. در کوره های آزمایش وارد می شوند و سربلند بیرون می آیند و جهان به دوران آرمانی و هدفی مهدی موعود (ارواحنا فداه) روزه روز نزدیکتر می شود، این، آن امید بزرگ است، لذا روز نیمه شعبان، روز عید بزرگ است.

بیانات در دیدار مردم قم ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

زمینه ظهور را باید با حاکمیت قرآن و اسلام آماده کرد

انتظار، یعنی دل سرشار از امید بودن نسبت به پایان راه زندگی بشر. ممکن است کسانی آن دوران را نبینند و نتوانند درک کنند - فاصله هست - اما بلاشک آن دوران وجود دارد؛ لذا تبریک این عید - که عید امید و عید انتظار فرج و گشایش است - درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی است که دشمن میخواهد به وجود بیاورد. ما آن وقتی میتوانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملتهای مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه و عجل الله فرجه)، به وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است.

بیانات در دیدار مردم قم ۳۰/۱۱/۱۳۷۰

اگر به سمت صلاح نزدیک بشویم ظهور نزدیک خواهد شد

شما مردم عزیز - بخصوص شما جوانها - هر چه که در صلاح خود، در معرفت و اخلاق و رفتار و کسب صلاحیتها در وجود خودتان بیشتر تلاش کنید این آینده را نزدیکتر خواهید کرد، اینها دست خود ماست اگر ما خودمان را به صلاح نزدیک کنیم، آن روز نزدیک خواهد شد همچنان که شهدای ما با فدا کردن جان خودشان آن روز را نزدیک کردند، آن نسلی که برای انقلاب آن فداکارها را کردند، با فداکاریهای



خودشان آن آینده را نزدیکتر کردند هر چه ما کار خیر و اصلاح درونی خود و تلاش برای اصلاح جامعه انجام بدهیم آن عاقبت را دایما نزدیکتر می کنیم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد خجسته امام زمان علیه السلام ۲۲/۰۸/۱۳۷۹

فقط نشستن و اشک ریختن فایده ندارد!

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشنهای نیمه‌ی شعبان برای من و شما این است که هر چند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنفاده یک آرمان والاست و در آن هیچ شکی نیست؛ اما این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید. انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۳۰/۰۷/۱۳۸۱

ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم

انتظار به معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم... سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن بینی دارد... ما نباید فکر کنیم که چون امام زمان خواهد آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد، امروز وظیفه‌ای نداریم؛ نه، بعکس، ما امروز وظیفه داریم در آن جهت حرکت کنیم تا برای ظهور آن بزرگوار آماده شویم. اعتقاد به امام زمان به معنای گوشه‌گیری نیست... امروز اگر ما میبینیم در هر نقطه‌ی دنیا ظلم و بی‌عدالتی و تبعیض و زورگویی وجود دارد، اینها همان چیزهایی است که امام زمان برای مبارزه با آنها می‌آید. اگر ما سرباز امام زمانیم، باید خود را برای مبارزه با اینها آماده کنیم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران ۳۰/۰۷/۱۳۸۱

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران

بزرگترین وظیفه‌ی منتظران امام زمان این است که از لحاظ معنوی و اخلاقی و عملی و پیوندهای دینی و اعتقادی و عاطفی با مؤمنین و همچنین برای پنجه درافکندن با زورگویان، خود را آماده کنند. کسانی که در دوران دفاع مقدس، سر از پا نشناخته در صفوف دفاع مقدس شرکت میکردند، منتظران حقیقی بودند. کسی که وقتی کشور اسلامی مورد تهدید دشمن است، آماده‌ی دفاع از ارزشها و میهن اسلامی و پرچم برافراشته‌ی اسلام است، میتواند ادعا کند که اگر امام زمان بیاید، پشت سر آن حضرت در میدانهای خطر قدم خواهد گذاشت. اما کسانی که در مقابل خطر، انحراف و چرب و شیرین دنیا خود را میبازند و زانوانشان سست میشود؛ کسانی که برای مطامع شخصی خود حاضر نیستند حرکتی که مطامع آنها را به خطر میاندازد، انجام دهند؛ اینها چطور میتوانند منتظر امام زمان به حساب آیند؟ کسی که در انتظار آن مصلح بزرگ است، باید در خود زمینه‌های صلاح را آماده سازد و کاری کند که بتواند برای تحقق صلاح بایستد.





بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلا‌ی تهران ۳۰/۰۷/۱۳۸۱

معنای انتظار فرج، انتظار گشایش در گرفتاری عمومی بشریت است

معنای انتظار فرج به عنوان عبارۀ آخرای انتظار ظهور، این است که مؤمن به اسلام، مؤمن به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) وضعیتی را که در دنیای واقعی وجود دارد، عقده و گره در زندگی بشر می‌شناسد. واقع قضیه هم همین است. منتظر است که این فروبستگی کار بشر، این گرفتاری عمومی انسانیت گشایش پیدا بکند. مسئله، مسئله، مسئله، گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان (علیه الصلاة و السلام) برای اینکه فرج برای همه‌ی بشریت به وجود بیاورد، ظهور میکند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه‌ی بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده‌ی بشر را نجات بدهد.

... انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسانها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۲۷/۰۵/۱۳۸۷

انتظار حرکت است، سکون نیست

انتظار فرج، انتظار دست قاهر قدرتمند الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسانها سیطره‌ی ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسانها را بنده‌ی واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود... انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است... انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه الصلاة و السلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان ۲۷/۰۵/۱۳۸۷

زمینه ظهور در صورت پیروزی ملت ایران آماده میشود

امروز مسیر تاریخ، مسیر ظلم است؛ مسیر سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است؛ یک عده در دنیا سلطه‌گرند، یک عده در دنیا سلطه‌پذیرند. اگر حرف شما ملت ایران پیش رفت، اگر شما توانستید پیروز شوید، به آن نقطه‌ی موعود برسید، آن وقت مسیر تاریخ عوض خواهد شد؛ زمینه‌ی ظهور ولی امر و ولی عصر (ارواحنا له الفداء) آماده خواهد شد؛ دنیا وارد یک مرحله‌ی جدیدی خواهد شد. این بسته به عزم امروز من و شماست، این بسته به معرفت امروز من و شماست.



بیانات در دیدار مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۹۱

زندگی اصلی بشر از دوران ظهور آغاز می‌شود

بشریت دارد همین‌طور این راه را طی میکند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است، دوران ظهور حضرت مهدی (سلام الله علیه) است. این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. در واقع باید گفت زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر از آنجا آغاز میشود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش میرساند؛ «بشریت» را میرساند، نه آحادی از بشریت را، نه افراد را، مجموعه‌ها را میرساند.

بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه «دارالحدیث» و پژوهشگاه «قرآن و حدیث» ۲۱/۰۳/۱۳۹۳

معتقدین به ظهور هیچ‌گاه دچار ناامیدی نمی‌شوند

نام امام زمان (عجل الله له الفرج و سلام الله علیه) و یاد این بزرگوار، دائماً به ما یادآوری میکند که طلوع خورشید حق و عدل در پایان این شب ظلمانی، قطعی است. انسانها گاهی که امواج متراکم ظلمت و ظلم را مشاهده میکنند، مأیوس میشوند. یاد امام زمان نشان‌دهنده‌ی این است که خورشید طلوع خواهد کرد، روز خواهد آمد؛ بله، ظلمات هست، ظالمان و تاریکی‌آفرینان هستند در دنیا، و قرنهای متمادی بوده‌اند اما پایان این شب سیاه و ظلمانی، قطعاً طلوع خورشید است؛ این آن چیزی است که اعتقاد به امام زمان به ما می‌آموزد؛ این وعده‌ی تضمین‌شده‌ی پروردگار است: *الْسَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ*؛ وعده‌ی تخلف‌ناپذیر الهی است. در اول زیارت [هم دارد]: *الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ*؛ وعده‌ای که تضمین‌شده است از طرف پروردگار، ظهور این بزرگوار است. معتقدین به ظهور ولی عصر و وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هیچ‌گاه دچار ناامیدی و یأس نمیشوند، و میدانند که قطعاً این خورشید طلوع خواهد کرد و این تاریکی‌ها و این سیاهی‌ها را برطرف خواهد کرد.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه السلام) ۲۰/۰۲/۱۳۹۶

انتظار یعنی دائم در حال «آماده‌باش» باشید

ما مأمور به انتظاریم؛ انتظار یعنی چه؟ انتظار به معنای مترصد بودن است. در ادبیات نظامی یک چیزی داریم به نام «آماده‌باش»؛ انتظار یعنی «آماده‌باش»! باید «آماده‌باش» باشیم. انسان مؤمن و منتظر، آن‌کسی است که در حال «آماده‌باش» است. اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کل جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. این «آماده‌باش» خیلی مهم است؛ انتظار به این معنا است. انتظار به معنای بی‌صبری کردن و پا به زمین کوبیدن و چرا دیر شد و چرا نشد و مانند اینها نیست، انتظار یعنی باید دائم در حال «آماده‌باش» باشید.



بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) ۲۰/۰۲/۱۳۹۶

در انتظار باید اهل عمل به چیزی باشیم که دل امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه) را شاد می‌کند

این انتظار، مستلزم صلاح و عمل است؛ باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد میکند. اگر بخواهیم این جور عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم بکنیم، طبعاً نمیتوانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم؛ این وظایف چه هستند؟ این همان چیزی است که نیاز دارد به بصیرت، نیاز دارد به معرفت، نیاز دارد به نگرش جهانی، نیاز دارد به روشن‌بینی؛ این آن چیزی است که شما جوان عزیز فعلاً امروز به آن موظفید.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) ۲۰/۰۲/۱۳۹۶

لازمه انتظار خودسازی است

انتظار، تکلیف بر دوش انسان میگذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن هست: «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون. ان فی هذا لبلاغاً لقوم عابدين» - مردمانی که اهل عبودیت خدا هستند، میفهمند - باید خود را آماده کنند، باید منتظر و مترصد باشند. انتظار لازمه‌اش آماده‌سازی خود هست. بدانیم که یک حادثه‌ی بزرگ واقع خواهد شد و همیشه منتظر باشید. هیچ وقت نمیشود گفت که حالا سالها یا مدتها مانده است که این اتفاق بیفتد، هیچ وقت هم نمیشود گفت که این حادثه نزدیک است و در همین نزدیکی اتفاق خواهد افتاد. همیشه باید مترصد بود، همیشه باید منتظر بود. انتظار ایجاب میکند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه‌ی انتظار است. وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده‌ی عدل کنیم، آماده‌ی پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد.

بیانات در دیدار اساتید و فارغ‌التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۸/۰۴/۱۳۹۰

روحیه انتظار از بزرگترین دریچه‌های فرج برای جامعه اسلامی است

باید منتظر بود. این نگاه ادیان به پایان راه کاروان بشری، نگاه بسیار امیدبخشی است؛ حقیقتاً روحیه‌ی انتظار و روحیه‌ی ارتباط با ولی عصر (ارواحنا فداه) و منتظر ظهور بودن و منتظر آن روز بودن، یکی از بزرگ‌ترین دریچه‌های فرج برای جامعه‌ی اسلامی است. منتظر فرج هستیم؛ خود این انتظار، فرج است؛ خود این انتظار، دریچه‌ی فرج است، امیدبخش است، نیروبخش است؛ از احساس بیهودگی،





از احساس ضایع شدن، از نومیدی، از گیج و گمی نسبت به آینده جلوگیری میکنند؛ امید میدهد، خط میدهد. مسئله‌ی امام زمان (سلام الله علیه) این است و امیدواریم که خدای متعال ما را به معنای واقعی کلمه از منتظران قرار بدهد و چشم ما را به تحقق این وعده‌ی الهی روشن کند.



